

ناصر کاوہ

سید الشہداء خدمت

کتاب سیدالشہداء کی خدمت - ناصر کاوہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



کتاب سید الشہداء - خدمت - ناصر کارہ



این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله عليهم اجمعین)

امام خمینی (ره)، شهدا از صدر اسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید، سیدابراهیم رئیسی و هئیت همراه

«امام خامنه ای»

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانسان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بیند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد و آن ثبت خاطرات برای دیگران است.



کتاب سیدالشهدای خدمت ناصرکار

سرشناسه: کاوه، ناصر، ۱۳۳۴

عنوان و نام پدیدآور: سیدالشهدای خدمت

زندگینامه و خاطراتی از رئیس جمهور شهید، سید ابراهیم رئیسی

۱۷۴ ص

مشخصات نشر:

مشخصات ظاهری:

شلوک:

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت: کتابخانه

موضوع: شهدا - ایران - بازماندگان - خاطرات

موضوع: Martyrs - Iran - Survivors - Diaries

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۸-۱۳۶۲ - خاطرات

موضوع: Iran-Iraq War, ۱۹۸۰-۱۹۸۸ - Personal narratives

رده بندی کتبی:

رده بندی دیویدی:

شماره کتابشناسی ملی:

«سیدالشهدای خدمت»

زندگینامه و خاطراتی از رئیس جمهور شهید

سید ابراهیم رئیسی

نویسنده: ناصرکار

شابک: گرافیک و طرح: علی کرمانی

مشاور طرح: مهدی کاوه

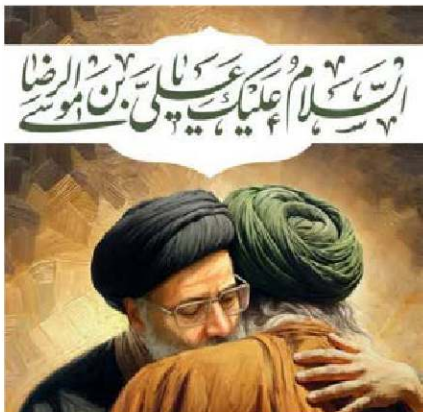
حروف نگار: نرگس کاوه

روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی

قیمت: ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال

شمارگان:

چاپ:



مقدمه

ای مرد، در میانه‌ی میدان چه می‌کنی؟!
 در لایلای جنگل و باران چه می‌کنی؟!
 میز ریاست تو چه کم داشت از رفاه
 در ووزقان و در مه و بوران چه می‌کنی؟!
 دل کنده از اوامر و دستور و پایتخت
 در نقطه‌های مرزی ایران چه می‌کنی؟!
 ای هفت‌روز هفته، به فکر ضعیف‌ها
 هم شانه‌ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!
 تهران اگر که شهر و مقَر ریاست است
 پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار



فهرست

مقدمه/۷

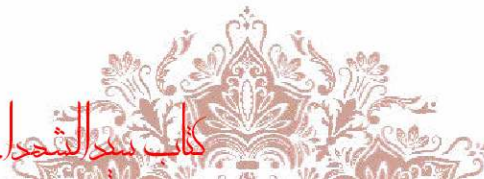
فصل اول

خاطرات زندگی شهید رئیسی/۱۴

فصل دوم

زندگی‌نامه شهید رئیسی/۱۲۴

سخن آخر/۱۷۳



«شهادت رئیس جمهور جهادی و انقلابی؛ خادم الرضا(ع) آیت الله آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان ایشان در سالروز میلاد حضرت ثامن الحجج «علیه آلاف التحية و الثناء» اگر چه پاداش خدمات و تلاشهای شبانه روزی ایشان نزد پروردگار متعال بود، ولی موجبات تأثر و تألم مردم ایران و آزادگان جهان که دل در گرو نظام مقدس جمهوری اسلامی دارند را فراهم آورد. این رئیس جمهور خدمت و خستگی ناپذیر در تمام عرصه هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خدمتگزاری مشغول بود نمونه اتم و اکمل مدیران انقلابی و ولایی بود و در امور محوله از هیچ کوششی دریغ نورزید و با شهادت در راه خدمت رسانی به این مرز و بوم به درجه رفیع شهادت نائل آمد و مصداق آیه شریفه «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلًا صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَسَىٰ نَجْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» گردید

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پیامی شهادت حجت الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی رئیس جمهور اسلامی ایران، دکتر امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، حجت الاسلام والمسلمین آل هاشم نماینده ولی فقیه در آذربایجان شرقی، دکتر رحمتی استاندار آذربایجان شرقی و همراهان گرامی ایشان در سانحه هوایی را تسلیت گفتند. متن پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
 انا لله وانا اليه راجعون

با اندوه و تأسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا علیه السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم
 این حادثه‌ی ناگوار در اثنا یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و

چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد. رئیسی عزیز خستگی نمی شناخت. در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آرزوگشایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمیشد

در این حادثه‌ی سنگین شخصیتهای برجسته‌ی مانند حجة الاسلام آل هاشم امام جمعه‌ی محبوب و معتبر تبریز، جناب آقای امیر عبداللهیان وزیر خارجه‌ی مجاهد و فعال، جناب آقای مالک رحمتی استاندار انقلابی و متدین آذربایجان شرقی و گروه پروازی و دیگر همراهان نیز به رحمت الهی پیوستند

اینجانب پنج روز عزای عمومی اعلام میکنم و به ملت عزیز ایران تسلیت میگویم. جناب آقای مغیر طبق اصل ۱۴۱ قانون اساسی در مقام مدیریت قوه‌ی مجریه قرار میگیرد و موظف است به همراهی رؤسای قوای مقننه و قضائیه ترتیبی دهند که ظرف حداکثر پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در پایان تسلیت صمیمی خود را به مادر گرامی جناب آقای رئیسی و همسر فاضل و بزرگوار ایشان و دیگر بازماندگان رئیس جمهور و خانواده‌های محترم همراهان بویژه والد ماجد جناب آقای آل هاشم معروض میدارم و صبر و تسلی آنان و رحمت الهی برای درگذشتگان را مسألت میکنم

سیدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۲/۲/۳۱

این «حادثه» ای اجل! نخواهد افتاد
 زهری ز تو در غسل نخواهد افتاد
 تا سید علی خامنه‌ای رهبر ماست
 در کار وطن خلل نخواهد افتاد

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصرکار

آینده فروشی نکرد. کشور را چوب حراج نزد. جمعه هایش را هم تعطیل نبود. اداره و پیشرفت کشور را معطل اراده خارجی نکرد. دولت را به میان مردم برد و گوش شنوای مردم شد. بدنه مدیریتی کشور را جوان کرد. علی رغم قوت و ضعف ها، ریل مدیریت کشور را از غرب‌گرایی و ندیدن مردم و درجا زدن و کم‌تحرکی، تغییر داد...

این نکته رهبری در پیام تسلیت شهادت سید محرومان، درس بزرگی برای همگان است: "آزردگی هایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی شد."

این باید درسی باشه برای من و امثال من، که هدف روشن و معین و الهی باشد و با تمسخر و طعنه و نیش و کنایه‌ها تغییر نکنند...

ای هفت روز هفته، به فکر ضعیف‌ها

هم شانه ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!

تهران اگر که شهر و مقر ریاست است

پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!

حقیر ضمن ابراز ناراحتی و همدردی با ملت شریف ایران، شهادت خادم ملت مرحوم آیت الله رئیسی؛ نایب رئیس مجلس خیرگان رهبری، مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آل هاشم؛ منتخب مردم آذربایجان شرقی در مجلس خیرگان رهبری، شهید دکتر امیرعبداللهیان؛ وزیر امور خارجه و مجموعه هیئت همراه را محضر رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای «مد ظله العالی» و مردم عزیز ایران اسلامی تسلیت و تعزیت می گویم و از درگاه خداوند منان، علو درجات و حشر با اهل بیت «علیهم السلام» را برای این شهدای عزیز مسئلت می‌نمایم. شهید دکتر رئیسی اخلاص، تواضع در برابر مردم، عدالت اجتماعی و مسئولیت پذیری را به نحو احسن در سرشت خود داشت و در عمل ظهور و الگوی بارز یکی رئیس جمهور کارآمد را در جامعه به تصویر کشید

دم امشب به رواق و به زیارت باشد

به امید کرم و اذن و شفاعت باشد

به جوادت همه داریم قسم مولا جان

که تن و جان رئیسی به سلامت باشد

به دل تلاطم داریم و حالمان خوش نیست

درست مثل شب جمعه؛ ساعت، یک و بیست...

اخبار سراسر جهانی سید!

حالا تو کجای آسمانی سید؟!

مانند بقیع چشم‌ها می‌گردند؛

چون مادر خویش، بی نشانی سید!

مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید و همراهانش نشان دهنده محبوبیت آن شهید و مورد لطف خدا بودن شهید رئیسی و هیئت همراه بود و به قول حجت‌الاسلام قرائتی: اگر آقای رئیسی را می‌دیدم به او می‌گفتم که قرآن به وعده‌اش وفا کرد. قرآن می‌گوید کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند محبوب می‌شوند. این حرکت تشییع میلیونی مردم در شهرهای مختلف ایران نشان‌دهنده محبوبیت شما و مورد لطف خدا بودن شما است. برخی مخالفین شما به شما نیش و کنایه زدند که خداوند جبران کرد، خدا جبار است و جبران می‌کند، این محبوبیت امروز جبران آن نیش و کنایه است. کتاب را نیند و بقیه را خودت ورق بزنی و بخوان. باحوال وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل‌های معطر و تزیینه خوش‌بوترین عطرها و با امید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک «امام زمان (عج)» و «یا» رمز یا زهرا(س)» نوشتن «کتاب سیدالشهدای خدمت» را شروع می‌کنیم، تا انشاءالله مورد رضایت و بخشودگی خداوند عزوجل واقع گردد... سوم خرداد ۱۴۰۳ _ ارادتمند: ناصرکاوه

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصرکاوه

شهبان جمهوری

تو کوه دردی بودی و رفتی
ای کوه دره! ای کاش برگردی
آن بالگرد ای کاش برگردد
با بالگرد ای کاش برگردی
چشم انتظار دیدت گشتند
حتی شهیدان خدایی هم
آن سو "بهشتی" بی فرار تو
آن سوتر انکاری "رجایی" هم
این ملت تنها تو را دیروز
در شادی و غم انتخابات کرد
ای انتخاب مردم ایران!
حالا خدا هم انتخابات کرد
رضا بردانی

«شهید جمهور»

هر چه صدا کردیم: "ابراهیم!"
اسم تو حتی برنگشت از کوه
آنقدر روح بی‌قراری کرد
جسم تو حتی برنگشت از کوه
اردیبهشت اردی جهنم شد
هر صفحه‌ی تقویم را سوزاند
این بار آتش سرد شد اما
وقتی که ابراهیم را سوزاند
گشتم دنبال پر و پالت
گفتند دیگر وا نخواهد شد
جز بالگرد سوخته چیزی
پیدا نشد، پیدا نخواهد شد

کتاب سیدالشهدای نخست ناصرکاره



خاطره‌ای به نقل از سرتیم حفاظت شهید رئیسی

این حجم از حضور مردم در مراسم تشییع شهید رئیسی، غیر قابل تصور بود و معتقدم این حضور بخشی از همان وعده صادق است که زمینه ظهور حضرت حجت را فراهم می‌کند. امثال این بزرگان به درجه و مقامی رسیده‌اند که هم حضورشان در دنیا و هم شهادتشان مایه برکت است. باید بگویم جمعیت بسیار زیادی در داخل حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها و اطراف حرم تا مسجد مقدس جمکران حضور داشتند. این جمعیت گسترده را زمینه‌ای برای ظهور حضرت مهدی می‌دانیم و به دلیل این حضور پرشور مردم، خداوند متعال را شکرگزاری می‌کنیم. زندگی ایشان بسیار ساده بود و رفتار و منش او آمیخته به تواضع بود. او خود را مطیع ولایت می‌دانست و اهل انس، گریه، توسل و تهجد بود. به نظرم همین ویژگی‌ها به همراه سر بازی مخلصانه‌اش برای ولایت باعث رشد و کمال ایشان شد. شهید موسوی که سرتیم حفاظت ایشان بود، برای خود من تعریف کرد که شب‌های جمعه، شهید رئیسی حتماً به یکی از اماکن مقدسه می‌رود و ناهه شب را در یکی از حرم‌های مطهر اقامه می‌کند. او تعریف می‌کرد که حتی اگر در جایی باشند که از اماکن مترکه دور باشند، حتماً به نزدیک‌ترین امامزاده سری می‌زنند و نماز شب می‌خوانند. حجت الاسلام سیدحسین مومنی در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم

حرف‌هایی که زدند را در وجودشان دیدم

من هم تریک می‌گویم و هم تسلیت می‌گویم شهادت ۸ تا عزیزمان را. آشنایی با ایشان برمی‌گردد به سال ۸۳ که در مشهد با ایشان آشنا شدم و هرجا بودند خدمت ایشان بودیم تا اینکه رییس جمهور شدند و به صورت مستقیم مشکلات کشتی را حل می‌کردیم و خاطرات زیادی داریم. پارسال که جایزه قهرمانان را می‌دادند اول کشتی بالا رفت و ایشان شروع کردند با من صحبت کردن. در این دو روزه تمام حرف‌هایی که به من زدند را در وجودشان دیدم. ایشان راه حق را از باطل خوب شناخته بود. همچنین امیدوارم هرجا مراسمی برای آقای رئیسی می‌گیرند آقا امیر عبداللہیان فراموش نشود. ایشان خیلی در سفرهای تیم ملی کشتی کمک کردند. یک خاطره بگویم که دیروز اتفاق افتاد. یک نامه‌ای را می‌خواستم برسانم به آقای رئیسی که به سید مهدی موسوی سر تیم حفاظت گفتم خودم بیاورم که گفت نمی‌خواهد و به یکی از بچه‌هایشان بیاورد. یکی از بچه‌های راننده ما برد و او را تحویل گرفتند و در داخل چایی دادند و از او پذیرایی کردند. این راننده ما امروز آنقدر گریه می‌کرد من عاشق این آدم شدم. ای کاش می‌شد خاطرات او را از آقای رئیسی کتاب بکنند. امیدوارم حق را از ناحق تشخیص بدهیم. این‌ها عاقبت بخیر شدند و ما این بزرگواران را از دست دادیم. روایتی از علیرضا دبیر به گزارش خبرگزاری خیرآنلاین

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار

از بهترین ها

بهر انقلاب در صبح خانواده شهید رئیس

ما یکی از بهترین غاصومان در زیر این آسمان را از دست دادیم؛
یکی از بهترین ها را از دست دادیم... چاره ای نیست؛
اینها را باید تحمل کرد در راه خدای متعال.

۱۹

مجاهد

بهر انقلاب در صبح استیلا

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه ی
عالم **مجاهد**، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا
جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی
و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردیم.

کتاب سید الشهدای غمناک - ناصر کارگر

۱۸

شهادایی که شهید بودند

یکشنبه شب، زمانی که گروهی از پاسداران و خانواده‌هایشان به ملاقات رهبری شناختند، ایشان بدون اطلاع قطعی از حال و وضع رئیس جمهور رئیس در پی حادثه دردناک پیش آمده، تعبیری را درباره وی بکار بردند که من تاکنون از ایشان نشنیده بودم و برابم تازگی داشت: "رئیس جمهور محترم و مفتنم ...". به عنوان کسی که از خردی و نویاوی شرف زیستن در سایه سار سرو انقلاب را داشته، به خاطر اتم رجوع می‌کنم؛ آشکارا رئیس جمهور شهید رئیس را نسبت به اسلاف خود، ولایت پذیرتر، بی ادعاتر و مردمی‌تر می‌یابم؛ سر تا پا و سراسیمه خود را وقف خدمت کرده بود ... شاید بر تعبیر "مفتنم" این باشد! شهید جمهور با توده مردم که از دید بنیانگذار انقلاب اسلامی و جانشین ایشان همه کاره این نظامند، سر و کار داشت. گرچه برخی پرورش یافتگان فکری مکتب غرب این فعالیت‌ها را ذیل عنوان پوپولیسم تعریف می‌کردند و از آن سکوی اهانتی به خدمتگزاران مردم می‌ساختند اما این شهید بزرگوار نقطه درستی را نشانه گرفته بود و آن هم مردم داری و خدمت به پابرهنگان و تکیه بر آنان بود. شهید سید ابراهیم رئیسی زمانی که بر مسند دادگستری کرج و بعد استان همدان نشست با پدربزرگم ارتباطات تنگاتنگی داشت و با توجه به خاطراتی که پدربزرگم از ایشان می‌گفت متوجه شدم که طلبه کوشا، فعال و جهادی است..

رئیس جمهور شهید ما به فضای مجازی به شدت علاقمند بود و زمانی که به سمت ریاست سازمان بازرسی کل کشور رسید، بنده در موسسه تبیان مسئولیت اجرایی داشتم و از ایشان دعوت کردم تا از فعالیت‌های این موسسه مطلع شود. ایشان برای به دست آوردن اطلاعات و ظرفیت رسانه‌ای موسسه تبیان سوالات کلیدی بسیار خوبی می‌پرسید که مشخص بود به این فضا و بستر علاقه زیادی دارد. این سال‌ها میزان ارتباط دوستانه ما بیشتر و بیشتر شد تا اینکه ایشان به ریاست جمهوری رسید و طبیعتاً به دلیل مشغله‌های بسیاری که داشتند، ارتباطها کم‌تر شد؛ اما دورا دور جویای احوالشان بودم. آن سید بزرگوار خانواده ساده اما تحصیل‌کرده‌ای داشت، خانواده‌ای اثرگذار که همواره در نظام فرهنگی کشور متشا خیر و برکت بودند. با وجود نقدهایی که به دولت سیزدهم وارد است اما رئیسی به عنوان رئیس جمهور مقتدر ایران، زحمات و تلاش‌های بسیاری کشید. نقل قولی از مقام معظم رهبری بعد از جلسات با رئیس جمهور وجود دارد که فرمودند: «ماشالله توان اجرایی آقای رئیسی بسیار بالاست که در هر مسئول اجرایی این توان دیده می‌شود». اقداماتی که شهید رئیسی به عنوان رئیس جمهور برای کشور انجام داد نادر است و قسمت‌اش این بود که در راه خدمت به درجه رفیع شهادت نائل شود. امیدوارم برکات خدمت ایشان همچنان در جامعه اسلامی ایران ادامه دار باشد. طوبی لهم و حسن مآب!... روایتی از محمدحسن حجازی

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصر کار

کارآمد

پیر انقلاب در دیدار رئیس مجلس لندن

ما شخصیت برجسته‌ای را از دست دادیم.
 آقای رئیس جمهور برادر بسیار خوب و **مستولین کارآمد**
 و با کفایت و صمیمی و جدی بود.

www.karamat.ir | 021-22222222

۳۳

فداکار

پیر انقلاب در پیام تسلیت

همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و **فداکار**
 چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، بگسره به تلاش بی وقفه
 در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد.

www.feda.ir | 021-22222222

۳۲

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کارگر

خاطره ای از ابراهیم رئیسی

پیرمرد کارش انجام قیرگونی است با عشق و علاقه کار می کند همراه با فرزندانش که همگی مجرد هستند. نگاه همه خانواده به گنبد طلای امام مهربان است امید پیر مرد عنایت امام است. جلو می آید ساده و صمیمی می گوید حاج آقا سلام. آقای رئیسی هم گویا سالهاست او را می شناسد مردی از اهالی خراسان که عشقش نوکری امام رثوف است و نان از در همین خانه بر سر سفره ساده خویش می برد. می گوید چهار فرزند دارم می توانم خرج ازدواج آنها را بدهم. آقای رئیسی شروع به شوخی کردن با پیرمرد می کند دلش که شاد شد نگاهم نامه ای هم منعقد می شود. حاج آقای رئیسی با پیرمرد تقسیم کار می کند. نصف نصف. دو نفر با من، دو نفر با همت شما. حسم به من می گوید شادتر از همه ماها امام رضاح) است. امامی که همه ما بر سر سفره او نشسته ایم.

جزئیات ناگفته از لحظات پایانی سقوط بالگرد

بعد از گذشت نیم ساعت از پرواز در مجاورت معدن سنگون یک لکه ابری دیده شد، مانند سفره‌ای بود که در آسمان پهن شده باشد. از نظر ارتفاع پروازی مجبور شدیم که با این ابرها مواجه شویم. کاپیتان مصطفوی که کاپیتان حامل بالگرد رئیس جمهور بودند، اعلام کرد: به دلیل شرایط جوی بهتر است ارتفاع بگیریم و از بالای ابرها به مسیر ادامه بدهیم.

گذشت از ابرها بدون لرزش و مشکل خاصی اتفاق افتاد و به راحتی از ابرها عبور کردیم و به مسیر ادامه دادیم. شرایط به گونه‌ای بود که امکان دیدن خط الراس قلله‌ها به راحتی امکان‌پذیر بود. از آنجایی که در این سفر سه بالگرد عازم تبریز بودند، بالگرد حامل رئیس جمهور و هیئت همراه در وسط قرار داشتند. اما چیزی حدود ۲۰ ثانیه بعد از ارتفاع گرفتن و عبور از لایه سنگین ابر، متوجه شدیم که بالگرد حامل رئیس جمهور نیست. غلبان شروع به دور زدن و چرخیدن نمود و اعلام کرد یکی از بالگردها قابل رویت نیست و ممکن است فرود اضطراری کرده باشد، اما تلاش‌های وی برای برقراری ارتباط رادویی مؤثر واقع نشد و نتوانست هیچ‌گونه پیامی دریافت نماید. آخرین ارتباط رادویی حدود یک دقیقه و سی ثانیه قبل از آخرین رویت برقرار شده بود که در آن کاپیتان پرواز حامل رئیس جمهور دستور ارتفاع گرفتن برای عبور از ابرها را داده بود. از آنجایی‌که به دلیل شرایط جوی امکان فرود آمدن در همان مکان وجود نداشت، دو بالگرد پس از چند بار چرخیدن مجبور به فرود اضطراری در نزدیکی معدن سنگون شدند تا بتوانیم ماجرا را پیگیری نمایم.

راوی: غلامحسین اسماعیلی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور

در پیش خدا اگر که مسرور شدی

رفتی و در آسمان اگر نور شدی

یادت نرود که رأی ما بانی شد

امروز اگر شهید جمهور شدی

جامع الاطراف

بهر انقلاب در دیدار امیرالمؤمنین

از دست دادن رئیس جمهور **جامع الاطراف**
همچون آقای رئیسی سخت است،
به رغم این فقدان، اما حرکت کشور هیچ تغییری نخواهد کرد.

www.ghomnews.ir | 160323232

۲۷

از بهترین ها

بهر انقلاب در جمع جانور مطهرون رئیس

ما یکی از بهترین عناصرمان در زیر این آسمان را از دست دادیم؛
یکی از **بهترین ها** را از دست دادیم... چاره ای نیست؛
ایشان را باید تحمل کرد در راه خدای متعال.

www.ghomnews.ir | 160323232

۲۶

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کاره

کار و درس و زندگی

پدرش از منبری های معروف خراسان بود. هنوز سید ابراهیم پنج سالش تمام نشده بود که درگذشت، اما پدر، دو پسر و دو دخترش را طوری تربیت کرده بود که با سختی آشنا بودند و نازپرورده نبودند. سید ابراهیم تابستان ها برای خودش کار و کاسبی راه انداخته بود؛ از دستفروشی در خیابان های منتهی به حرم امام رضا علیه السلام تا کار طاقت فرسا در مرغداری. بعدها که طلبگی را انتخاب کرد، تابستان هایش را به کار می گذراند. خرج و مخارج خانه و پول کتاب های درسی اش را از این راه بدست می آورد. آن روزها زندگی کردن با ۵ تومان شهریه سخت بود. دیر به دیر می توانست برای مادر و خواهرش گوشت و برنج بخرد. هر از چند گاهی هم که حق الزحمه خوبی به دستش می رسید کمی گوشت هم می خرید و به خانه می برد..

اصل شایسته سالاری

وقتی به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد، چند نفر از مدیران سازمان که گرایش های سیاسی مخالف او داشتند، نگران اخراج و برکناریشان بودند. اما او با علم به نگاه سیاسی آنها، در تمام ده سال ریاستش بر سازمان از توان آنها بهره برد. آقای رئیسی شديدا معتقد به شایسته سالاری بود؛ نه فقط در شعار!

دادستان جوان انقلاب

وقتی مسئولیت دادستانی کرج را به عهده گرفت فقط ۲۰ سال داشت. جوانترین دادستان انقلاب بود، آن هم در شهری مثل کرج. بسیاری از عوامل شاه و طاغوت در کرج ملک و املاک داشتند. پاتوق بسیاری از ساواکیها و ضد انقلاب هم کرج بود. با این حال سید ابراهیم جوان از پس مدیریت دادستانی به خوبی برآمد. آیت ا... قدوسی که آن روزها دادستانی کل انقلاب را به عهده داشت از عملکردش راضی بود. برای همین دادستانی استان همدان را همزمان به عهده اش گذاشت. ابراهیم با اینکه به ظاهر جوان بود اما عاقلانه تصمیم می گرفت و دچار احساسات نمی شد. همین ویژگی بود که نظر آقای قدوسی را جلب کرده بود..

در میان مردم

ایام پیاده روی اربعین، در مرز مهران همراه آقای رئیسی بودیم. وقتی مردم متوجه حضورش شدند، آمدند سمت او. محافظان جلوی مردم را گرفتند و نمی گذاشتند جوان ها جلوتر بیایند. اولین باری بود که آقای رئیسی را اینقدر ناراحت می دیدم. به محافظ ها تشر زد و گفت با مردم کاری نداشته باشید.

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و یا کفایت و پرتلاش، **خادم الرضا** عجلت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

رئیس انقلاب فروریام بسجده

۳۱

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و یا کفایت و پرتلاش، خادم الرضا عجلت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

رئیس انقلاب فروریام بسجده

۳۰

کتاب سید الشهدای نخست - ناصر کاروان

بالتر از قانون!

از طرف آقای خلغالی حکم داشتند تا با قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند. سلاح داشتند و به هیچ قانون و رویه ای اهمیت نمی دادند. تحت عنوان دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر جاده را می بستند، خودروها را می گشتند و هر کس را که می خواستند دستگیر و گاهی اوقات اجرای حکم می کردند. تعدادی از مسئولین نیز از آنها حمایت می کردند. اما سید ابراهیم جوان بر سر قانون با کسی تعارف نداشت. رفت خدمت آیت اهل قدوسی برای شکایت. ایشان گفت که این مسئله در جاهای دیگر کشور هم به وجود آمده و قرار است با امام مطرح کند. سید ابراهیم اما گفت که قضیه کرج را شخصاً حل خواهد کرد. به محل تجمع آنها رفت و اسلحه شان را ضبط کرد و افراد متخلف را تحویل دادگاه انقلاب داد. آقای خلغالی زنگ زد برای بازخواست. پرسید: «شما اقدام کردید به گرفتن اعضای این دفتر؟» سید ابراهیم گفت: «بله!» خلغالی با عصبانیت جواب داد: «بالتر از تو هم می توانی این کار را انجام بدهی.» سید ابراهیم با صدایی مطمئن و آرام گفت: «من این کار را کردم و شد و به بالاتر از ما هم سلام برسانی، اگر در کرج من مسئول هستم و می گذارم کار غیرقانونی انجام بشود.» این حرکت، شاید اولین مقابله جدی با اقدامات خودسرانه در کشور بود.

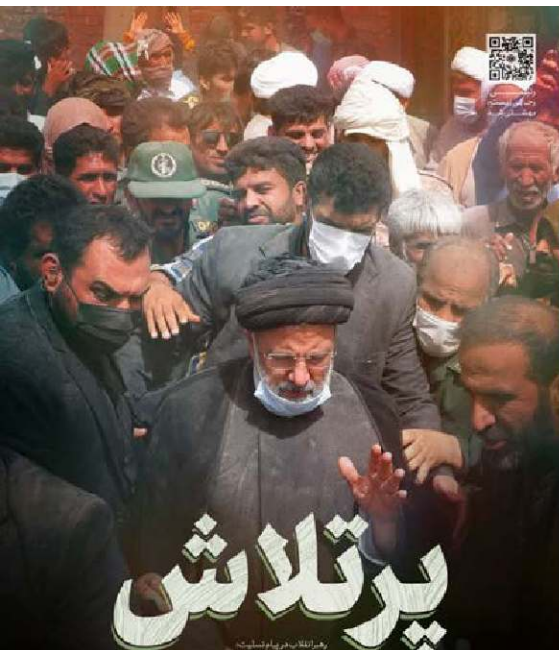
نظارت بر سازمان

بعد از دیدار عمومی که رهبری با کارکنان سازمان بازرسی داشت، در ملاقاتی خصوصی، رهبری به او پیشنهاد داد در سازمان که مرجع عالی نظارتی است، از خودشان هم غافل نشوند و بخشی هم برای نظارت درون سازمانی راه بیاندازند تا به کار بازرسان و کارشناسان نظارت کند. سرش را پایین انداخت و گفت که شش ماهی است چنین بخشی در سازمان راه اندازی شده تا عملکرد نیروها به صورت نامحسوس ارزیابی شود و گزارش بخش مربوطه را به مقام معظم رهبری نشان داد. لیکن روی لب های رهبری نشست و از این تدبیر به جا تشکر کرد.

طرح ترور

منافقین داخل زندان شنیده بودند عملیات فروغ جاویدان شکست خورده. تصمیم گرفتند هر طور شده بزرگان دستگاه فضا را ترور کنند؛ حتی اگر با چاقوهای دست سازی باشند که در همان زندان و با ساییدن قاشق ساخته بودند. سید ابراهیم جزو اولین گزینه هایشان بود. خبر برنامهی ترور خودش را که شنید، سکوت کرد. با وجود این رفتارهای منافقین، او دستور داده بود که اگر ذره ای ندامت در رفتار اعضای سازمان منافقین مشاهده شد، مشمول رفت اسلامی قرار بگیرند.

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کارگر



پرتلاش

بهر انقلاب در برآمدن است

با اندوه و تأسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی
عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم‌الرضا
جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدابراهیم رئیسی
و همراگان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

www.khamenei.ir

۳۵



خدا متگزار

بهر انقلاب در برآمدن است

رئیس عزیز خستگی نمی‌شناخت.

در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، **خدا متگزار صمیمی**
و مخلص و با ارزشی را از دست داد.

www.khamenei.ir | ۱۳۲۲/۱۱

۳۴

کتاب سیدالشهدای غمگین - ناصر کاویانی

هدیه ویژه دادستان!

آمده بود دادستانی و می گفت در جوانشهر کرج، چندین قطعه زمین ۴۰۰ متری دارد و می خواهد یکی از آنها را به دادستان بدهد تا با صلاحدید خودش، مبلغش را بین افراد نیازمند شهر، تقسیم کند.

هرچه اصرار کرد سید ابراهیم قبول نکرد.

یکی از معتمدین شهر را واسطه کرد تا سید ابراهیم را راضی کند، اما فایده نداشت. حتی گفت زمین را به دادستان می بخشم اما باز هم قبول نکرد. سید ابراهیم آب پاکی را روی دستش ریخت:

«نه برادر!»

بهتر است بروید با کمیته امداد صحبت کنید. اگر من که در این شهر هیچ چیز ندارم و حتی شبا هم در داسرا می خوابم این زمین را قبول کنم، هزار فکر نابجا در ذهن مردم می آید و دیگر نمی توانند به من اعتماد کنند

ژست عکاسی

سید ابراهیم آمده بود بازدید مناطق عملیاتی شلمچه. داشتیم قدم می زدیم که یکی از رفقا آمده به من گفت: حاج آقا رو بکش به سمت سیم خاردارها تا بتونم به عکس خوب خبری از شون بگیرم. آقای رئیسی حرف های مان را شنید. برای همین چرخید و راهش را عوض کرد راه تو راه حاج قاسم بود
ای ولایت مدار بی همتا

اصلاح از مجری

سازمان بازرسی در زمان مدیریت سید ابراهیم، هایشگاهی برپا کرد با محوریت بررسی و آسیب شناسی فساد در سیستم اداری کشور.

هایشگاه، محرمانه بود و فقط مسئولین از آن بازدید می کردند.

آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، روز آخر که برای بازدید به هایشگاه آمد، گفت «مغیون» شدم که امروز آمدم.

می گفت کاش زودتر می آمدم و می دیدم. سید ابراهیم دنبال اصلاح ساختارهای فساد خیز کشور بود، اما انگار این اصلاح، باید از قوه مجریه شروع شود

یادش بخیر وقتی شما رئیس بودید

تازه ریاست سازمان بازرسی کل کشور را به عهده گرفته بود و دادستانی را تحویل داده بود که خبر دادند در دادگاه انقلاب حادثه ای رخ داده و چند نفر شهید و زخمی شده اند. یکی از زخمی ها، حاج عباس شیرازی (مدیر انتظامات دادگاه انقلاب) در بیمارستان بستری بود. به ملاقاتش رفت.

حاج عباس با دیدن او، سر حرف و گلای هاش باز شد:

«شما در آن دوران هفته ای سه روز می آمدی صبحانه را با ما در انتظامات می خوردی و بعد به اتاقت می رفتی. اما از روزی که شما رفتی دیگر ما حتی معاون را هم نمی بینیم!»

در عدالت مرید راه علی

در اطاعت مطیع امر ولا

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کارگر



اتاق خدمت!

یکے از همکاران پیشنهاد داد، بهتر است بگوئیم بیایند اتاق را بازسازی کنند و موکت جدید بزنند. سید ابراهیم با لحن جدے گفت: «بچه‌ها، سازمان به نان شبیشان محتاج هستند، آن وقت من بیایم این اتاق را بازسازی کنم!؟»



جوان ریش سفید!

به محافظ گفتم، کاش صندلی مے گذاشتید براے سید. لیخندے زد و گفت: «به ریش‌هاے سفیدش نگاه نکن. هنوز جوانه و پرشور. ما از دستشان پیر شدیم. حاج آقا از ۵ صبح تا ۱۱ شب مشغول کارن.»

سید ابراهیم مردمی

هیچ وقت از مردم جدا نبود. چه در دوران طلبگی اش چه در دوران مسئولیتش. همیشه در اجتماعات مردمی و نماز جمعه و جماعت حاضر بود و همیشه هم با مردم بود.

اطلاعاتش از مسائل کاری و مسائل جامعه از راه همین ارتباطات مردمی بود؛ نه فقط دستگاه های اطلاعاتی. در سازمان بازرسی یک روز در هفته را اختصاص داده بود به دیدارهای مردمی.

مردم از قبل ثبت نام می کردند و سه شنبه ها برای بررسی مشکلاتشان دعوت می شدند. گاهی روزها تا ۱۵۰ نفر به دیدنش می آمدند. حرف همه را می شنید و تا جایی که از دستش بر می آمد مشکل شان را حل می کرد...

پرکار همچون جوانان

در یکی از برنامه های سخنرانی آقای رئیس کنار یکی از محافظان نشسته بودم. وقتی آقای رئیس برای سخنرانی رفت پشت تریبون، به محافظ گفتم کاش یک صندلی می گذاشتید تا آقا سید نشسته سخنرانی کند.

گفت: به سر و رویش نگاه نکن. فقط ریش هایش سفید شده؛ هنوز جوان هستند و پرشور. بعد با خنده گفت: ما از دست ایشان پیر شدیم؛ حاج آقا از ۵ صبح تا ۱۱ شب مشغول کار هست

در سیل بلاها عوض کاخ نشینی

دیدیم تو را خاک نشین با کپری ها

پیکان رئیس سازمان بازرسی کل کشور

بعد از جلسه پرسش و پاسخ دانشجویی در دانشگاه شریف آقای رئیس از سالن بیرون آمد

چند نفر از دانشجویها خودشان را به همراهانش رساندند و پرسیدند: ماشین آقای رئیس کوه؟

گفتند: همین پیکان!

دانشجوها با تعجب گفتند جدی؟! همین!!

باورش برایشان خیلی سخت بود.

بعد چند نفر به کنایه از ماشین دیگر دولت مردان شعار دادند: بیت المال حیا کن، مسئولانو رها کن!

آن موقع، استاندار نوبوتا کریسیدا داشت!

موقع خداحافظی بحث عوض شد و شروع کردند به تعریف و تمجید از آقای رئیس و رویوسی

یک آبارتمان قسطی

طبق اصل ۴۹ قانون اساسی، اختیار اموال بدون صاحب و مجهول المالک دست او بود. تمام این اموال حکم عام را داشتند و او اجازه دخل و تصرف در آنها را داشت. اما از مال دنیا فقط یک آبارتمان دارد که شراکتی و قسطی خریده؛ با یک زندگی عادی و معمولی مثل همه مردم

دیدیم صفای تو و صافی تو، وقتی

خون بود دل ملتی از حيله گری ها

کتاب سیدالشهدای خدیجهت - ناصر کارگر



ورود غیرمردم ممنوع

سازمان بازرسی یک روز از هفته را اختصاص داده بود به دیدارهای مردم. سه شنبه‌های هر هفته، حدود ۱۵۰ نفر از مردم مشکلاتشان را می‌گفتند و تا جایی که از دستش برمی‌آمد، حل می‌کرد.

کتاب سیدالشهدای نجف - ناصر کارا



کار بدون توقع

هر روز ۱۸ ساعت کار می‌کرد. عقیده داشت، باید خودش را به سختی بیاندازد تا یک گوشه از مملکت پا بگیرد.

کتاب سیدالشهدای نجف - ناصر کارا

اشراف سازمان بازرسی بر عملکرد وزارتخانه ها

بعد از اینکه مقام معظم رهبری دستور داد با فساد اقتصادی مبارزه شود، سه سال متوالی، نمایشگاهی تشکیل داد و همه سازوکارهای اداری دستگاههای کشور را به نمایش گذاشت. اسمش را هم گذاشت نمایشگاه آسیب شناسی دستگاه های اداری کشور. هر وزارت خانه را در یک غرفه بزرگ به نمایش گذاشته بودند و اول هم خود وزیر را دعوت می کردند تا از نگاه سازمان بازرسی، وزارت خانه اش را ببیند. تمام مدیران و کارشناسان ارشد آمدند از نمایشگاه دیدن کردند. همه میگفتند ما میدانستیم سازمان بازرسی اینقدر دقیق به دستگاهها و وزارت خانه ها نگاه میکند. با این کار نگاه خیلی ها نسبت به سازمان بازرسی تغییر کرد. فهمیدند که سازمان بازرسی دنبال معی گیری نیست، بلکه عیب شناسی میکند

توبیخ وزیر!

مدت کوتاهی از آغاز به کارش در سازمان بازرسی نگذشته بود که با خبر شد یکی از بازرسان سازمان را در حال تهیه گزارش از وزارت بهداشت کتک زده اند. پانچ را به سینه بازرسی کوبیده و زخمیاش کرده بودند. سید ابراهیم فوراً بسا وزیر بهداشت وقت تماس گرفت و او را احضار کرد. توضیح خواست و جایگاه سازمان را به او یادآوری کرد. وزیر قول داد که دیگر چنین اتفاقی تکرار نشود و تکرار هم نشد یک عمر شریف و با صلابت بودی دلداده و عاشق ولایت بودی

پیگیری شخصی

پیام های مردمی که از طریق کانال تلگرام به دستش می رسید، دو بخش داشت. بخشی مربوط به درخواست مردم برای دریافت غذای حضری که به دستور او فیش غذا در اختیارشان گذاشته می شد و بخش دوم پیام های درخواست های خاص بود. خیلی از کسانی که دچار محرومیت و گرفتاری بودند و امیدشان از همه جا قطع شده بود به امام رضا(ع) متوسل شده بودند. از زنان سرپرست خانوار با فرزندان یتیم تا مردم که در به در دنبال کار می گشتند. به مسئول کانال دستور داده بود این پیام ها را وارد سیستم اداری نکند تا یک وقت دیر رسیدگی نشود. خودش شخصا پی گیری بود تا مشکل حل شود.

حق برای حق دار

در یکی از دیدارها به او گزارش دادند یکی از مدیران آموزش و پرورش با گزارش خالف واقع بازرسی سازمان، بدون هیچ تقصیری برکنار شده. آن قدر پیگیری کرد تا مشخص شد حق با مدیر برکنار شده بوده است. بازرسی سازمان را برکنار و مدیر را به جایگاه قبلی اش برگرداند.

اقای رئیسی در هر منصبی که حضور داشت، رویه اش همین بود. حق را به حق دار می رساند. از سازمان بازرسی گرفته، تا دادستانی کل کشور و

معاونت قوه قضاییه

آخر به مراد دل رسیدی سید

آنقدر که تشنه ی شهادت بودی



تهران اگر که شهر و مقر ریاست است
پس در میان الملل و دهستان چه می کنی؟!۹



ای هفت روزه حقیقه، به فکر ضعیف ما
بمشاوری فقیر و ضعیفان چه می کنی؟!۹

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار ۸

اول تحقیق بعد اقدام قاطع

زمانی که آقای رئیسی کم و کسری در اموال آستان قدس را دید، مسئولین مربوطه را با درخواست کردند. چندماه هم به تیم تحقیقاتی فرصت داد که مدارک و اطلاعات موثقی پیدا کنند. آقای رئیسی می خواست بدون تحقیق و تهیه مدرک، وارد کار بشود و تیم قبل از خودشان بی حرمت بشوند. چند ماه صبر کردند. سیستم اطلاعاتی کار کرد؛ خود دست اندرکاران شرکت هم همکاری کردند و حرمت ها را نگه داشتند. اما وقتی به او گفتیم همه این تلاش هایی که کرده اید و تذکراهایی که داده اید هیچ ثمری نداشته و شخص متخلف باید محاکمه شود، دیگر صبر نکرد. وقتی به یقین رسید اقدام قاطع کرد و کسی که سال ها در آستان قدس در بالاترین رده فعالیت می کرد را با دلیل و مدرک کافی به قوه قضاییه معرفی کرد

خاطره ای از ابراهیم رئیسی

به همه مسئولین و مدیران آستان رضوی سپرده بود که نینم زائری به خاطر عدم امکانات بی سرپناه و بدون جای خواب در کنار حرم نبوتوه کرده باشد. دریکی از سرکشی که انجام میدهد می بیند که در اطراف حرم چند خانواده روی پتوهای خودشان در زیر گذر حرم خوابیده اند. سریع به مسئولین مربوطه خبر داد و ظرف چند دقیقه مشکل زائرین امام رضا (ع) حل شد. چشم انتظار دیدن ت گشتند حتی شهیدان خدایی هم

بی تعارف، حتی با رئیس جمهور

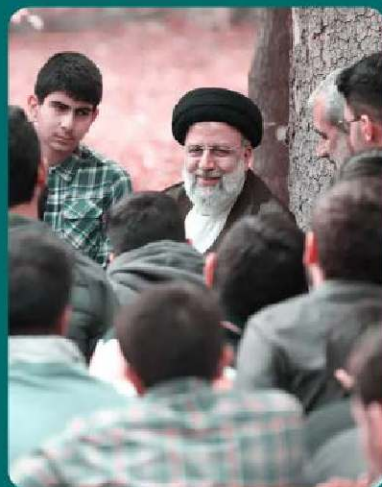
مسئول دفتر رئیس جمهور پشت خط بود. سید ابراهیم بیست ساله، دادستان کرج، تلفن را برداشت «شما فلاسی را بازداشت کردید؟» رئیس جمهور دستور می دهد هر چه زودتر آزادش کنید. در ذهنش مرور کرد و یادش آمد این آقا تغلف سنگینی داشته و از نزدیکان رئیس جمهور است. بعد گفت: «به آقای بنی صدر سلام بنده را برسانید و بگویید این تصمیم دادستان و قاضی است و هیچ کس حق لغو حکم قاضی را ندارد.» مسئول دفتر رئیس جمهور که عصبانی شده بود، با لحن تندی خطاب به او گفت: «شما می فهمید چه می گوید؟! این دستور رئیس جمهور است.» او هم با آرامش همیشگی جواب داد: «این خواسته رئیس جمهور، دخالت در کار دادستانی است و قانون به ایشان چنین حقی نمی دهد.» مسئول دفتر که از قاطعیت او عصبانی شده بود، بدون خداحافظی ارتباط را قطع کرد و بنی صدر هم دیگر پیگیر آزادی آن فرد نشد

آن سو بهشتی بی قرار تو
آن سوتر انگاری رجایی هم

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصر کار



شهید جمہور



شهید جمہور

رفع درد غربت

کرج آن روزها شهری بود کوچک، در حاشیه تهران که جنگ زده های از خانه رانده و از تهران مانده، به آن پناه می آوردند. وضعیت نامناسب اسکان جنگ زده ها را که دید، با اینکه در حیظه وظایف نبود و کسی از دادستان جوان شهر انتظاری نداشت، تصمیم گرفت برایشان کاری کند. آنقدر رفت و آمد و پیگیری کرد تا برای بسیاری از جنگ زده های آواره در کرج، خانه فراهم شد. احتمالا جنگ زده های آن روز، هنوز از طلبه جوانی که پیگیر کارهای اسکان شان در شهر غربت بود، خاطرات خوشی دارند

دستگیری به جای مح گیری

رئییی در دوره طلایی سازمان بازرسی، رویکرد سازمان را از مح گیری به هدایت و دستگیری تغییر داد. این تغییر رویکرد در همه ارکان سازمان جاری شده بود. یک نمونه بارز، این بود که قبل از ارسال هر گزارش به نهادهای قضایی، مدیر مربوطه به سازمان دعوت میشد، در جریان جزئیات پرونده‌هاش قرار میگرفت و اجازه داشت از خودش دفاع کند. اگر میتوانست سازمان را قانع کند پرونده بایگانی میشد و به نهاد قضایی فرستاده نمیشد. همین عملکرد، نگاه نهادهای دولتی به سازمان را از عنصری خرچین به دوستی خیرخواه و مصلح، تغییر داده بود
به آسمان زد و، چون نور بی نهایت شد
پرنده پر زد از این خاکدان و راحت شد

کار بدون توقع

با وجود فضای رسمی دادستانی، فضایی صمیمی را به وجود آورده بود. به خاطر ویژگی های اخلاقی اش، دیگران به راحتی می توانستند رابطه برقرار کنند.

هیچ کسی در سخت کوشی و دقت در کار قضایی به پای او نمی رسید. هر روز از صبح سر کار حاضر می شد. ۱۸ ساعت کار کردن (آن هم کار پرمشغله ایشان) واقعا دشوار بود. قلبا عقیده داشت که باید خودش را به سختی بیاندازد، تا یک گوشه از مملکت پا بگیرد. با اینکه دائما سر و کارش با مجرم و متهم بود، در نهایت احترام و در عین حال با قاطعیت و قانونمداری، با آنها رفتار میکرد..

فرا تر از یک دیپلمات

سید ابراهیم رئیسی در دوره ریاست آیت اهلل هاشمی شاهرودی بر فوه قضاییه، ۵ سال پشت سر هم در جمع سفرا و نمایندگان ایران در کشورهای خارجی درباره مسائل کلان جهانی سخنرانی می کرد. هر کدام از این افراد هم در حوزه روابط بین الملل برای خود رجلی به حساب می آمدند. با این حال، صحبت های او برای تعیین سیاست مناسب نسبت به مناطق مختلف جهان به حدی با واقعیت همخوانی داشت که همه حضار می گفتند: رئیسی این نکات را از کجا می داند؟
کسی که پاک و شهیدانه زندگی می کرد
عجیب نیست اگر لایق شهادت شد

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصر کار



شهید جمہور



شهید جمہور



کتاب سید الشہداء - نعت - ناصر کریم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

فردای دیدار دانشجویی در دانشگاه شریف روزنامه ابرار آن موقع شیطنت کرد و نوشت آقای رئیسی برای جلسه پرسش و پاسخ در خصوص سازمان بازرسی به دانشگاه رفته بود که دانشجویها با «شعار مسئولین حیا کنید، بیت‌المال رو رها کنید» ایشان را بدرقه کردند! بعد از این ماجرا رفقتم با مدیر مسئول روزنامه صحبت کردم. به او گفتم الاقل یه جو انصاف داشته باش؛ به قبول امام حسین (ع) اگه دین نداری آزاده باش. جلو چشم من این اتفاقات افتاده؛ ماشین آقای رئیسی پیکان بوده و این شعارها در حمایت از آقای رئیسی بود. او هم گفت یکی از بچه‌های ما شیطنت کرده است. بعد هم عذرخواهی کرد. من رفقتم پیش آقای رئیسی و ماجرا را گفتم. با آرامش گفت: «در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم، سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور» و گفت: «ما عددی نیستیم؛ دیگران رفتن سینه سپر کردند و شهید شدند من یک بچه سرباز بیشتر نیستم، به کجا بر می‌خورم؟»

چشم همه در آرزوی دیدن توست
دل‌تنگ تلاش تو، نخواهیدن توست
حالا که سیاهی شب تلخ گذشت
خورشید بتاب وقت تابیدن توست

سازمان؛ قبل و بعد از سید ابراهیم؟!

آقای رئیسی سازمان بازرسی کل کشور را در حالی تحویل گرفت که گمنام و متروک بود و دولت اعتباری برای آنجا و کارکنان و بازرسانش قائل نبود. سازمان حتی ساختمان و امکانات اولیه را هم نداشت.

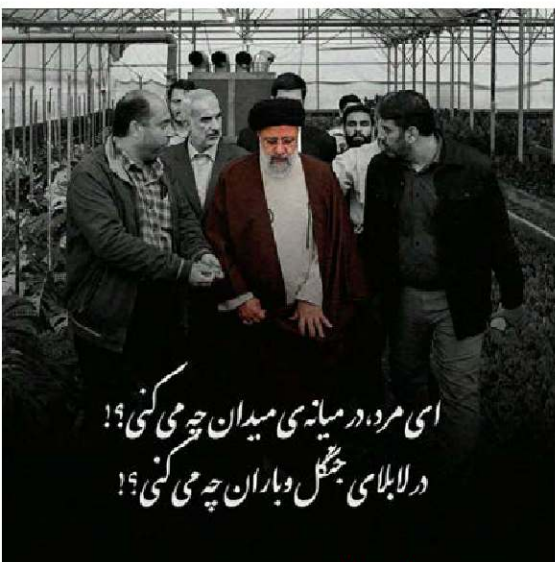
سیصد نیروی بازرس داشت که ماهی ۱۵ هزار تومان بیشتر حقوق نمی گرفتند. در سازمان برای این تعداد بازرس فقط ۱۵۰ میز بود که نوبتی پشت میزهای نشستند و گزارش کارشان را مینوشتند وقتی ده سال بعد سازمان را تحویل داد، رفاه و معیشت کارکنان تأمین شده بود. دیگر کسی نبود که نداند سازمان بازرسی چه نقشی دارد.

مدتی بعد از رفتن او از سازمان، کارکنان به ساختمان جدید منتقل شدند. جایی که با همت و تلاش او ساخته شده بود، ولی هرگز خودش به عنوان رئیس سازمان بازرسی در آن پا گذاشت

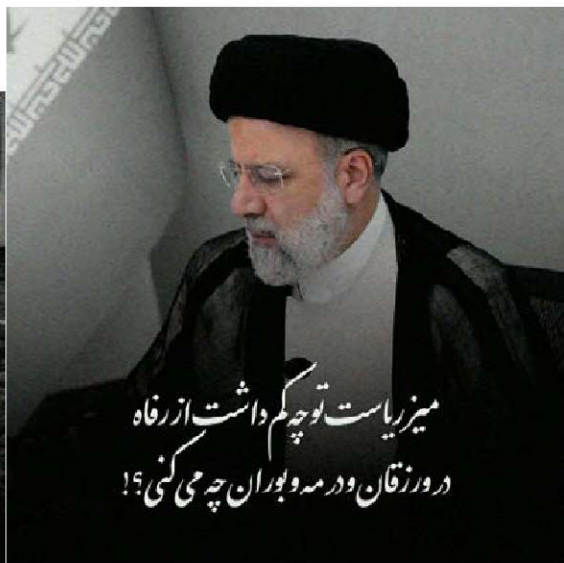
به اعتراف همه متخصصان، دوره مدیریت سید ابراهیم رئیسی، دوران طلایی سازمان بازرسی کل کشور بود...

آن قدر ز میز خدمت دور شدی
با مردم پاره‌پاره محشور شدی
سلطان خراسان به تو مزدت را داد
خادم بودی ... شهید جمهور شدی

کتاب سیدالشهدای خدمت _ ناصر کار



ای مرد در میانه می میدان چه می کنی!
در لابلای جنگل و باران چه می کنی!



میز ریاست تو چه کم داشت از رفاه
دروزقان و درمه و بوران چه می کنی!

صفای طلبگی

سید ابراهیم رئیسی از اول طلبگی هم با صفا و بی‌شلیله پیله بود. آن موقع‌ها یا او گاهی به چمکران می‌رفتیم؛ گاهی پیاده و گاهی هم با اتوبوس. روز به روز هم با هم مانوس‌تر می‌شدیم. دلیلش این بود که آدم پچییده‌ای نبود. الآن هم فرقی نکرده؛ چه در قوه‌ی قضاییه و چه در تولیت آستان قدس. هنوز هم ظاهر و باطنش یکی است. مسئولیت‌ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشته. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی‌کند. گاهی هم اگر چیز می‌خواهد، با شوخی و ادبیاتی دوستانه مطرح می‌کند و هیچ وقت به واسطه مسئولیت برای خودش شائق قائل نبود

گره‌گشایی از کار ولی نعمتان انقلاب

تازه انقلاب شده بود و اقتصاد کشور رونق‌الزم را نداشت. عده‌ای هم از روستاها به شهرها آمده بودند و به دنبال کار بودند. پیاده روه‌ای اصلی کرج پر شده بود از دست‌فروش‌هایی که عبور و مرور مردم را با مشکل رو به رو کرده بودند. سید ابراهیم این‌گه را باز کرد، اما نه با دندان، بلکه با دست! دستور داد، جای را برای دست‌فروشا پیدا کنند تا به آنجا منتقل شوند. با این کار هم زندگی و رفت و آمد مردم راحت شد، هم دست‌فروش‌های مستضعف از کار بیچار نشدند.

غلام بارگه آستان قدس رضا

شب ولادت او راهی زیارت شد

مبارزه با فساد سازمانی

سید ابراهیم رئیسی به فساد موجود در سازمان تحت مدیریتش به شدت حساس بود. شیوه‌مدیریتی‌اش طوری بود که بخشی را برای نظارت درون سازمانی فعال می‌کرد. ابتدای انقلاب هم سازوکار ویژه‌ای را برای نظارت محسوس و غیرمحسوس بر قضات و کارمندان دادستانی انقلاب تدارک دیده بود. به محض ورود به سازمان بازرسی، مجموعه‌ای تحت عنوان نظارت داخلی ایجاد کرد. این حرکت ابتکاری، بعدها توسط رهبر معظم انقلاب تجلیل شد. در سمت معاون اولی قوه قضاییه هم اداره‌کنی برای نظارت بر طرح‌ها و دستورالعمل‌های قوه تاسیس کرد

سه شنبه‌های مردمی

سه شنبه هر هفته روز خاصی بود؛ روز دیدارهای مردمی. در بعضی از سه شنبه‌ها سید ابراهیم، میزش را به راهرو انتقال می‌داد و تا شب می‌نشست تا مردم بیایند و از مشکلات‌شان بگویند و گاهی اوقات سرش فریاد بزنند!

او هم با کمال آرامش آنها را مورد لطف قرار میداد و قول میداد کار آنها را پیگیری کند. واقعا تا آنجا که در توان داشت، پیگیری می‌کرد. گاهی تعداد این مراجعین به ۱۵۰ نفر در روز می‌رسید که با همه آنها با روی باز برخورد می‌کرد و حرف‌هایشان را می‌شنید.

شهادت آمد و دستش گرفت و با خود برد

دعای خادم خوان رضا اجابت شد

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار



در ما قیامت کن قیامت سید ابراهیم
ای صاحب جود و کرامت سید ابراهیم
ما را خیر از خویش بی خود کرده، اما تو.
اما تو راحت باش راحت سید ابراهیم
تو شاد از دیدار با ما مردم دلتنگ
ما خسته از دلبای غربت سید ابراهیم
از ابتدا هم تو شهید زنده‌ای بودی
سهم تو شد آخر شهادت سید ابراهیم
دیدار با تو بار دیگر آرزوی ماست
دیدار ما روز قیامت سید ابراهیم

تو سوختی و نورِ علی نور شدی
با هرچه شهید عشق، محشور شدی
دیدیم ریاست فقط خدمت بود!
خادم بودی، شهیدِ جمهور شدی

از التهاب تا آرامش

بعد از قضایای ۱۸ تیر ۷۸ و شلوغی دانشگاه ها، دانشگاه صنعتی شریف سید ابراهیم را برای سخنرانی دعوت کرد. گفتند با محافظ بروید اما قبول نکرد. میگفت دانشگاه محفل علمی است و نباید با رویکرد امنیتی برخورد کرد. آن هم در اوج درگیری های دانشگاهی که بیشتر مسئولین جرات می کردند به دانشگاه ها بروند. وقتی رسید سالن اجتماعات دانشگاه پر شده بود. دانشجویها شعار می دادند ولی فضا ملتهب بود. آقای رئیسی رفت پشت تریبون؛ یکی سوالات را می خواند او جواب می داد، بعضی از دانشجویها هم شفاهی می پرسیدند. آقای رئیسی با آرامش به همه سوال ها جواب داد. تقریباً دو ساعتی طول کشید. آرامش آقای رئیسی و پاسخ های دقیق و روشنگرانه اش دانشجویها را هم آرام کرد..

روایت خیرگزاری تسنیم، از همسر شهید رئیسی درباره یک دروغ؟!:

ماجرای آن روزی که آیت الله رئیسی در قم سخنرانی داشتند بعد سخنرانی ایشان در قم کنسل شد و گفتند مقام معظم رهبری ایشان را به بیت فراخوانند چه بود؟ این یک دروغ بود. ایشان اصلاً در مشهد بود. اتفاقاً من خودم قم بودم و در موسسه امام خمینی (ره) ارائه مقاله داشتم. آنقدر مردم پرسیدند که آخر من خودم شک کردم و زنگ زدم که ایشان گفتند من مشهدم گشتم دنبال پر و پالت گفتند دیگر و نخواهد شد

از خانه دنیا تا منزل آخرت

به سید ابراهیم پیشنهاد دادند خانه راننده ی جمشید آموزگار (نخست وزیر اسبق شاه) همراه با بخشی از باغش که حدود ۸۰۰ متر می شد، با قیمت ارزان بخرد، ولی قبول نکرد. سید ابراهیم معتقد بود مردم انقلاب نکردند که مدیرانشان بروند در خانه های اشرافی زندگی کنند.

برای همین عصرها، کارش که تمام می شد راه می افتاد در تهران و می رفت سراغ بنگاه های املاک محل تا برای زن و بچه اش خانه پیدا کند

بالاخره به هر زحمتی بود، با پول خودش خانه خرید. البته نصف پول را قرض کرده بود و تا مدت ها داشت قرض هایش را صاف می کرد، آن هم زمانی که یکی از آدم های شناخته شده قوه قضائیه بود، آقای رئیسی..

سردار حسین اشتری؛ فرمانده سابق فراراجا

با توجه به صحبت هایی که با آقای رئیسی داشتم، می دانم که چقدر ایشان دلتنگ حاج قاسم بود و بارها از خدا خواسته بود تا به دیدار یاران شهیدش مانند سردار سلیمانی و شهید بهشتی بروند و اکنون او به آرزوی رسیدن و به دیدار حاج قاسم رفته است. منبع: تسنیم

چیز پالگرد سوخته چیزی

پیدا نشد، پیدا خواهد شد



۶۷



دل پر آشوب مادر، آرام گرفت...

کتاب سید الشهدای

۶۶

دوران طلایی

رئیس دبیرال این بود که خودش شناخت دقیقی از مسائل جاری در سازمان داشته باشد. برای همین اشرافش بر مسائل دستگاه های مختلف کشور شگفت آور بود. وقتی در جلسات هیات دولت شرکت می کرد، با چنان تسلطی از آسیب ها و گلوگاه های فساد در وزارت خانه ها صحبت می کرد که برخی از اعضاء می گفتند: رئیسی خودش یک پا وزیر است.

این اظهار نظرهای کاملا تخصصی و به جا آنقدر اثرگذار بود که رئیس جمهور وقت، علیرغم تفاوت سلیقه سیاسی، تعامل و سیاهی با سازمان بازرسی را تعریف کرد و اکثر اوقات، نظرات، تذکرات و پیشنهادات سازمان را عینا به وزارتخانه های مربوطه برای پیگیری میداد

ساده زیستی شهید رئیسی

خانم علم الهدی، همسر شهید سیدابراهیم رئیسی نقل می کند که، ما زندگی خیلی معمولی داریم اما در همین مورد هم با حاج آقا خیلی درگیریم. برای عوض کردن هر اسباب خانه باید کلی نقشه بکشیم. خود ایشان با همان ماشین های سمند اداری جابجا می شوند.

حتی اقوام که ماشین شاسی بلند دارند می گویند به ایشان بگویند ماشین شان را جلوی خانه ما نزنند، مردم فکر می کنند ما از این ماشین ها سوار می شویم. سید ابراهیم تمام جوانب را رعایت می کند تا خدای نکرده از زندگی ساده دور نشود

گرمی یک سلام

نیروهای بخش تعمیرات اتومبیل های سازمان بازرسی کل کشور، گمنام ترین نیروها بودند. کار و فعالیتشان زیاد بود، اما کمتر مورد توجه مسئولین سازمان بودند. توقع زیادی هم نداشتند؛ به یک سالم و احوال پرسی هم راضی بودند، اما بالادستی ها آن را هم از ایشان دریغ میکردند. چند روزی از تحویل مسوولیتش نگذشته بود که خواست با اتومبیل به دیدار رئیس وقت قوه قضائیه برود. در کنار اتومبیل او یکی از مکانیک ها با لباس فرم مخصوص مکانیکی که به تن داشت، مشغول تعمیر اتومبیلی بود. جلو رفت. سالم و احوالپرسی گرمی با او کرد و خدا قوت گفت.

بعد هم سوار اتومبیل شد و رفت. هنوز مکانیک در بُهت برخورد رئیس جدید سازمان بازرسی کل کشور با خودش بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید نسبت فامیلی داری؟»

مکانیک قسم خورده که اولین بار بوده که او را دیده، اما کسی زیر بار نمی رفت. مدت زیادی طول نکشید که بقیه مکانیک ها و نیروهای سازمان هم مهربانی رئیس جدید با نیروهایش را چشیدند

شعری که غلامعلی حدادعادل در سوگ رئیسی نوشت:

بر جان عطشناک بشر، باران است
سرسبزترین مرحله ی عرفان است
ای کاش در آغوش بگیرد ما را
هرچند «شهادت هر مردان است»

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کار



بالا تر از قانون!

خلخالے با عصیانیت داد زد: «بالا تر از تو هم **نمے تواند** این کار را انجام بدهد.» **سید ابراهیم آرام** گفت: «من این کار را کردم و شد. به بالا تر از ما هم سلام برسانید. اگر در کرج من **مسئول** هستم **نمے** گذارم کار غیر قانونی انجام بشود.»



گرمے یک سلام!

یکے از مکانیکها مشغول تعمیر بود. جلو رفت. **سلام** و **احوالپسے گرمے** بالاو کرد و بعد ہر رفت. هنوز مکانیک در **ٹہٹ** این برکود بود کہ **همکارانش** دورہ اش کردند: «نگفته بودے با رئیس جدید فامیل هستے. مکانیک قسم خورد کہ اولین بار بوده کہ او را **حیدہ**.»

نماینده همه اهل سنت و شیعه

سنی و شیعه ندارد؛ او تقریباً به تمام روستاهای خراسان جنوبی سر زده و بسا مردمانش نشسخت و برخاست داشته. برای همین است که تقریباً کل استان می شناسندش و رأی او در انتخابات خیرگان، از همان روز اول رقابت های انتخاباتی همیشه قطعی بوده و هست. در سرکشی هایش به روستاهای استان، بارها پیش آمده که اهل سنت به او اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبول دارند آقا سیدشان را. اگر کمی دیرتر هم می رسید، بدون تأمل به امام جماعت اهل سنت اقتدا می کرد.

در فکر آخرت

رئیس اهل زد و بند و معامله نبود و بر اساس آنچه که بتواند در روز قیامت پاسخ بدهد، عمل می کرد. به دلیل موقعیت هایی که داشت، می توانست بدون تخلف، اموالی را به دست آورد ولی هیچوقت این کار را نکرد. شاید در دنیا هیچوقت جلوش را نمی گرفتند، اما همیشه به فکر آخرت بود. در دوران دادستانی مستاجر بود. مدتی بعد از ازدواج خانه ای در قم خرید و خانواده را به قم برد. وقتی سرپرست دادگاه انقلاب در اوین شد، خانواده را به تهران آورد و برای مدت کوتاهی در تجریش ساکن شد. بعد از آن هم به یک آپارتمان ساده بین خیابان فاطمی و حجاب رفت چشم انتظار دیدنت گشتند حتی شهیدان خدایی هم

اتاق خدمت

داشت در اتاق ریاست سازمان بازرسی که تازه تحویل گرفته بود راه میرفت که پایش به پارگی موکت کف اتاق گیر کرد. سریع بلند شد و خودش را جمع و جور کرد و گفت: «این اتاق محل رفت و آمد مردم است. بگو بیایند موکت را بکنند و بردارند.» یکی از همکاران پیشنهاد داد: بهتر است بگوییم بیایند اتاق را بازسازی کنند و موکت جدید هم بزنند.» سید ابراهیم به چشمانش خیره شد و با لحنی جدی گفت: «بچه های سازمان به نان شب شان محتاج هستند. آن وقت من بیایم این اتاق را بازسازی کنم؟! ده سال بعد که سازمان را تحویل داد، کل ساختمان نو نوار شده بود مگر اتاق خودش؛ بدون موکت و کاملاً ساده..»

انسانیت و مردم داری شهید رئیسی

یک روزی از دفتر رئیس جمهور با من تماس گرفته شد که ایشان با من کار دارد، بدلیل اینکه باید سر کلاس درس حاضر می شدم، فرصتی برای گفت و گو نشد، فردای آن روز شهید رئیسی تماس گرفتند و گفتند فقط تماس گرفتم حالت را بپرسم؛ این نشان می دهد که فارغ از نگرش های سیاسی، انسانیت ایشان همیشه قابل توجه بود. اینکه شهید رئیسی خادم حضرت رضا (ع) هستند و در شب ولادت هم به شهادت رسیدند، سعادت بزرگی است. راوی: دکتر ظریف آن سو "بهشتی" بی قرار تو آن سوئر انگاری "رجایی" هم

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار

متواضع و خاکی!

بیش از یازده سال بود که آقا سید ابراهیم را از نزدیک ندیده بودم. آخرین بار، سال ۸۴ در بیست آیت الله نوری همدانی با هم گپ و گفتنی داشتیم. دو سه روز پیش، دوباره او را دیدم؛ ولی این بار در کسوت متولی آستان قدس بزرگ و شریف. هیچ فرقی نکرده بود؛ جز سر و رویی که سپیدتر شده بود و نورانی تر! همان که بود مانده؛ مرده می، قیراق، خنده رو، پیگیر، گیرا و خاکی! راستش را بخواهید نمی توانستم شادمانی ام را کتمان کنم. از اینکه تولیت حرم را با عمامه ای از سر برداشته، گوشه ای از حرم در حال اشک و مناجات می بینم. از اینکه مردم را با تولیت آستان، رو در رو و بدون حلقه های عریض و طویل حفاظتی می بینم. از اینکه می بینم مردم، بالاترین مقام مسئول در حرم را به چالش می کشند و نقد و فند خود را بی پرده به او می رسانند!

شوق خدمتگزاری به مردم مهم ترین ویژگی او بود

صفای باطن، تواضع و شوق خدمتگزاری به مردم مهم ترین ویژگی او در تمام این ادوار بود. ارتقاء مسئولیت های رسمی، هیچ گاه باعث دگرگونی روحیات این روحانی خدمتگزار نشد. ارادت قلبی شهید رئیسی به امام چنان بود که در مهم ترین سالهای مسئولیت در قوه قضائیه و ریاست جمهوری نیز آن را فراموش نکرد و بر آن مداومت می ورزید. روایتی از سیدحسن خمینی

بالاتر از قانون!

از طرف آقای خلغالی حکم داشتند تا با قاچاق مواد مخدر مبارزه کنند. سلاح داشتند و به هیچ قانون و رویه ای اهمیت نمی دادند. تحت عنوان دادگاه ویژه مبارزه با مواد مخدر جاده را می بستند، خودروها را می گشتند و هر کس را که می خواستند دستگیر و گاهی اوقات اجرای حکم می کردند. تعدادی از مسئولین نیز از آنها حمایت می کردند. اما سید ابراهیم جوان بر سر قانون یا کسی تعارف نداشت. رفت خدمت آیت الله قدوسی برای شکایت. ایشان گفت که این مسئله در جاهای دیگر کشور هم به وجود آمده و قرار است با امام مطرح کند. سید ابراهیم اما گفت که قضیه کرج را شخصاً حل خواهد کرد. به محل تجمع آنها رفت و اسلحه شان را ضبط کرد و افراد متخلف را تحویل دادگاه انقلاب داد. آقای خلغالی زنگ زد برای بازخواست. پرسید: «شما اقدام کردید به گرفتن اعضای این دفتر؟» سید ابراهیم گفت: «بله!» خلغالی با عصبانیت جواب داد: «بالاتر از تو هم نمی تواند این کار را انجام بدهند.» سید ابراهیم با صدایی مطمئن و آرام گفت: «من این کار را کردم و شد و به بالاتر از ما هم سلام برسانید، اگر در کرج من مسئول هستم و نمی گذارم کار غیرقانونی انجام بشود.» این حرکت، شاید اولین مقابله جدی با اقدامات خودسرانه در کشور بود..

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصرکار



گره‌گشا

پیاده‌روهای کرج پر شده بود از دست فروش هایی که عبور و مرور مردم را مشکل کرده بود. سید ابراهیم دستور داد تا با انتقال دست فروش ها به مکانی خاص در شهر گره این مشکل را باز کنند.

۷۷



دادستان جوان

بیست‌ساله بود که مسئولیت دادستانی کرج را بر عهده گرفت. جوان‌ترین دادستان انقلاب بود، آن هم در کرج که بسیاری از طاغوتی‌ها ملک و املاک داشتند و شده بود بانوق ساواکی‌ها و ضد انقلاب. اما سید ابراهیم از پس همه‌اش برآمد.

۷۶

کتاب سیدالشهدای نجف - ناصر کار

پارتی بازی ممنوع!؟

فیلم مستند آیت الله رئیسی من را یاد خاطره ای از زمان توفیق خادمی در حرم مطهر رضوی انداخت

خبر درگذشت خواهر تولیت آستان را که شنیدیم انتظار داشتیم طبق روال مرسوم و باتوجه به اختیارات قانونی و شرعی تولیت آستان قدس رضوی مراسم تدفین و ترحیم در حرم مطهر برگزار شود

اما مراسم تدفین در بهشت رضا (ع) خارج از شهر مشهد و مراسم ترحیم در یکی از مساجد معمولی برگزار شد

اقدامی که مایه تعجب بسیاری که از اختیارات ایشان مطلع بودند، گردید.

کمی بعد جانباز سرافراز محمدزاده (بابارجیب) آسمانی شدند و به شهادت رسیدند. این جانباز گرانقدر به دلیل شدت جراحات صورت شان ومشقت های آن کمتر در انظار عمومی ظاهر می شدند

این بار آیت الله رئیسی بازاعیت قوانین دستور دادند هزینه ها تامین و پیکر این عزیز درجوار حرم مطهر آرام گیرد

هر د وموضوع بیانگر سلوک ایشان بود که از اختیارات و حقوق قانونی خود برای بستگانش بهره نمی برد و درجای دیگر از اختیارات خود استفاده می کند، تا یکی از نمادهای مقاومت در جوار امام رثوف آرام گیرد .

به گزارش الف امین توکلی با ذکر خاطره ای از رئسی (رئیس وقت تولیت آستان قدس رضوی) در توییتر

ما طعم تلخ زخم زبان را چشیده ایم
فولاد در جدال معرکه ها آب دیده ایم
بنگر حضور عاشقان را که شعر شد
هم لحظه های ناب غزل هم قصیده ایم
نه سنگ ها و صخره و نه ترس سد شدن
ما رود پرخروش به دریا رسیده ایم
هرگز ندیده چشم کسی سمت قلّه ها
در کوره راه حادثه پاپس کشیده ایم
بنگر که شهر کوچه به کوچه پر از دل است
قلیبم و در حرارت ایران تپیده ایم
پرچم مقدس است و همیشه در اوج باد
حتی اگر به جسم عزیزان کشیده ایم
این رسم ماست؛ خدمت مخلوق و خالقش
چشمی گشا که در همه دنیا پدیده ایم
ما را حسین دیده و با عشق بیمه کرد
یک کربلا حماسه و اشکی چکیده ایم
ای ابرهای تیره ببارید باک نیست
ما در حصار امن خدا آرمیده ایم
این داغ ها که سد ره ما نمی شود
ما خود مسیر سخت ظفر را گزیده ایم

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کار



کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصرکاره

واکر به دست، پیرزنی خسته
می‌رفت سوی تخت خود آهسته
در آتش فراق پیر می‌سوخست
می‌گفت با غریبه و وابسته:
"آیا ز خاک پر زده فرزندم؟
آیا کیبوم ز قفس رسته؟"
بیرون خانه منتظرش بودند
مردم چه ناشناس چه برجسته
هر دم برای تسلیت از هر سو
می‌آمدند در صف پیوسته
مثل کیوتران حرم پر زد
مشهد به سوی آن زن وارسته
هرچند او برای پذیرایی
جایی نداشت درخور و شایسته
حتی نداشت خانه‌ی دل‌بازی
مشرف به صحن و گنبد و گلدسته
اما شبیه بال ملاک بود
آن دست پر چروک حناسته...

مهربانی و خوشرویی

هزیشیه صدا و سیما و سینما، لاحمد نجفی ضمن اظهار تاسف از شایعه دردناک شهادت آیت الله سیدابراهیم رئیسی، وزیر امور خارجه و همراهان آن‌ها اظهار کرد: من در دیداری که با ایشان داشتم تقاضایی را مطرح کردم. گفتند این موضوع را روی کاغذ بنویسید و به من بدهید تا تا ترتیب اثر بدهم. این جمله را با مهربانی و خوشرویی گفتند. به نقل از ایرنا

قطب‌هایی به سوی خدا!!

همه کسانی که آیت‌الله رئیسی را می‌شناسند به خوبی می‌دانند که عقربه قطب‌های زندگی ایشان به سمت خداوند تبارک و تعالی بوده است و دغدغه مردم را داشته‌اند و آن شالاله به سلامت برمی‌گردند. حسین شریعتمداری، مدیر مسوول روزنامه کیهان

تعامل با مردم و خطر پذیری برای ورود به حل مشکلات

اظهار نظرهای گرایش‌های سیاسی مختلف نشان دهنده بلوغ ملی است که در هنگامه حوادث مرزها را کنار گذاشته و رنگ‌منافع ملی به خود می‌گیرند. بی‌آلایشی آیت‌الله رئیسی که تجلی آن در این حادثه مظلومانه است، برآیند شخصیت رئیس‌جمهور است، گفت: صداقت، بی‌آلایشی آیت‌الله رئیسی در تعامل با مردم و خطر پذیری برای ورود به حل مشکلات در این حادثه نمود پیدا کرد... محمدعلی وکیلی فعال سیاسی اصلاح‌طلب _ خبرنگار ایرنا



شهید جمہور



شهید جمہور

از اعدام تا بخشش؟!

خاطرات عباس معروفی در مواجهه با ابراهیم رئیسی به عنوان دادستان تهران شاید برای خیلی از اهالی فرهنگ و رسانه تکراری باشد اما با توجه به شایعات این روزها خواندنی است. عباس معروفی، یکی از نویسندگان مشهور کشور و مدیر مجله ادبی «گردون» است که در نخستین سالهای دهه ۷۰ توفیق آن بازتاب فراوانی در محافل داخلی و خارجی داشت. برای امانت‌داری بخشی از گفت‌وگوی او با نشریه ادبی «القیاف» در شرح ماجرای دیدار خودش با سید ابراهیم رئیسی را برایتان می‌آورم. «سرانجام روز ۱۹ آذر ۱۳۷۰، بازجویم حکم توقیف موقت گردون را به دستم داد. از آنجا مستقیماً به اداره مطبوعات ارشاد رفتم و آقای مدیر کل گفت که کاری از دستش ساخته نیست. بعد به شرکت تعاونی مطبوعات رقوم و برای اولین بار با محسن سازگارا، مدیرعامل شرکت تعاونی مطبوعات آشنا شدم. او آن روز خیلی با من حرف زد و گفت که باید تلاش کنیم تا این حکم را بشکنیم. از یک سو او می‌دوید، از سویی حمید صدوق و از سوی دیگر خودم. یکی از غم‌انگیزترین دوره‌های زندگی من همین ۱۸ ماه تعطیلی گردون بود که همه رفت‌وآمدها، تلفن‌ها و ارتباط‌هایم قطع شد. یکباره احساس کردم چقدر تنها شده‌ام. بی‌دانستم چه خاکی به سرم بریزم. تنها سیمین بهبهانی هر روز به من تلفن می‌زد و دل‌داری‌ام می‌داد. نامه‌نگاری، ملاقات، دیدار و گفت‌وگو هیچ‌کدام فایده‌ای نداشت تا اینکه

قاضی پرونده‌ام در دادستانی انقلاب حکم مرا اعلام کرد: «اعدام!»

فروشکستم. حالا جز نگرانی از حکم اعدامی که قاضی‌ام داده بود، وزارت ارشاد هم کن‌فیكون شده بود. خامی رفته بود. در همان زمان داشتم رمان «سال بلوا» را می‌نوشتم و این جمله جایی خودنمایی می‌کرد: «ما ملت انتظاریم!» و در انتظار سرنوشت گردون می‌سوختم. حکم اعدام را برداشتم و به طرف سازگارا راه افتادم. چند روز بعد او به من خبر داد که روزهای سه‌شنبه حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی، دادستان انقلاب، بار عام دارد و قرار شد که من از ساعت شش صبح سه‌شنبه آنجا باشم. این سه‌شنبه رفتن‌ها، چهار بار طول کشید و نوبت به من نرسید، بار پنجم، ساعت ۱۲ من توانستم آقای رئیسی را ببینم. در هر دیدار پنج نفر می‌توانستند به ترتیب شماره، وارد اتاق دادستان انقلاب شوند. نفر اول که آخوند پیری بود، به دادستان جوان و خوش‌تیپ انقلاب گفت اگر اجازه داشته باشد، ماند و به عنوان آخرین نفر با او خصوصی حرف بزنم اما رئیسی قبول نکرد. گفت: بفرمائید! خودم را معرفی کردم، رئیسی کمی نگاهم کرد، با لبخند گفت: «همون عباس معروفی معروف؟» «بله همون کرکس شاهنشاهی! همون غول بی‌شاخ و دم که هر روز کیهان می‌نویسه» گفت: شما بھونید. نفر بعدی؟ سه نفر بعدی هم مطلب شان را گفتند و رفتند. دادستان انقلاب گفت: «خب آقای معروفی، چه می‌کنید؟ گفتم: رمان می‌نویسم، کتاب چاپ می‌کنم، ادیتوری می‌کنم، هر کار که بشه



شهید جمہور



شهید جمہور

چون دفترم بازه اما شما انتشار گردون رو توقیف کردین.

گفت: خوب فکر می‌کنی چرا توقیف شده؟ گفتیم: همکاران شما از من می‌پرسن چه جوری و با چه پولی این مجله رنگارنگ را منتشر می‌کنم؟

گفت: «این سوال من هم هست.»

گفتم: «مجله روی پای خودش ایستاده، ۲۲ هزار تیراژ داره.»

گفت: «چند سالته؟» گفتم: «سی‌وسه.» گفت: «این چیزهایی که درباره شما در

روزنامه‌ها می‌نویسن، من فکر کردم بالای ۶۰ سال رو داری

آن وقت در کامپیوتر پرونده‌ام را نگاه کرد و گفت:

«عجیبه! خیلی عجیبه! لک توی پرونده‌ات نیست.»

گفتم: «می‌دونم. من حتی سمپات کسی یا چیزی نبوده‌ام.»

با حیرت خیره‌ام شد:

«حتی خانم‌بازی هم نکردهای؟»

گفتم: «نه! من زن و سه تا دختر دارم.»

به پشتی صندلی‌اش تکیه داد با لبخند نگاهم کرد. یک لحظه فکر کردم

عجب آخوند خوش‌سیما و خوش‌تیپی است. گفت:

«پریشب در قم منزل یکی از علما، آقای فاضل میبندی بودم.

قسمتی از کتاب «سفوفی مردگان» شما را خوندم. می‌خواستم از شما بگیرم،

دیدم براش امضا کردی. بهم نداد. دم می‌خواد بخومش.» اتفاقاً نسخه‌ای از

چاپ سوم زمان در کیفم بود. گذاشتم روی میز.

دست به جیب برد که پولش را ببردازد. گفتم: «قابلی نداره.»

گفت: «نه این میز، میز خطرناکیه. میز قضا و قدر!» و خندید:

«باید پولشو بپردازم، شما هم باید بگیری.» ۴۰۰ تومان را روی میز گذاشت و

گفت: «تعجب می‌کنم! چرا این قدر راجع به شما بد می‌نویسن؟

امکانش هست فوری کلیه گردون‌ها رو به من برسونید تا شخصاً مطالعه کنم

و تصمیم بگیرم؟» گفتم: «با کمال میل، فردا براتون میارم.»

گفت: «نه! فردا دیره. همین حالا!» و تلفن روی میزش را طرف من گذاشت:

«زنگ بزین بیارن فوری!» و بعد خواست که ناهار بمانم. تشکر کردم، یک دوره

گردون از شماره ۱ تا ۲۰ را به دستش دادم و خداحافظی کردم.

حدود یک هفته بعد، پرونده من از دادستانی انقلاب «عدم صلاحیت» خورد

و به دادگستری ارجاع داده شد.

در این دوره که خانمی هم در آخرین روزهای وزارت ارشاد، هیأت‌منصفه را

تشکیل داده بود، باعث شد گردون در دادگاه تبرئه شود.

در تاریخ ۱۶۷ ساله مطبوعات ایران من نخستین مدیر مجله‌ای بودم که با

حضور هیأت‌منصفه محاکمه و تبرئه شدم

کیهان در تیتراژش نوشت:

«تشکیل هیأت‌منصفه برای نجات یک مجله ضد انقلاب!»

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار



کتاب سیدالشهداء - ناصر کاره

خاطراتی از خانم علم الهدی، همسر شهید رئیسی

آقای رئیسی تاکید زیادی بر سیاست ورزی مبتنی بر اخلاق دارند. خیلی ها به ایشان توصیه می کردند که به گروهی انتخابات وارد نشوید، اما ایشان در جواب می گفتند بگذارید یکبار مردم سیاست ورزی مبتنی بر اخلاق را ببینند. محتوای نامه ایشان نیز بر همین مناسبت که بیابیم قبل از هر چیز، بر این نوع سیاست ورزی پایبند باشیم و از این اصول عبور نکنیم

ایشان اصول اخلاقی را خط قرمز خود می دانند و حتی یکبار به من هم گفتند حاضرم در مناظرات شکست هم بخورم اما اصول اخلاقی را زیر پا نگذارم. این بحث ها مایه ای حقوق و حقوق دانی است، بحث اخلاق چند درجه فراتر از حقوق است

ایشان در اینگونه مسائل بسیار دقت می کنند و به هیچ وجه مسائل کاری شان را به داخل خانه نمی آورند. البته مواردی بوده که ما از روحیه ایشان متوجه شدیم اتفاق خاصی افتاده است. مثلا در مورد پرونده نخست وزیری که ایشان تمام کارها را انجام داده بود، اما ناگهان امام دستور دادند پرونده مختومه شود. از جاهای زیادی هم مراجعه کردند، از مرکز اسناد انقلاب اسلامی و دیگر جاها تا آن پرونده را باز کنند اما ایشان راضی نشدند هیچ مصاحبه ای را انجام بدهند و گفتند پرونده ای را که امام دستور دادند مختومه کنید من باز نمی کنم. من هم هیچ اطلاعی از آن قضیه ندارم

یک اخلاقی که ایشان دارند این است که از جزئیات هیچ پرونده ای صحبت نمی کنند. مثلا همین ماجرای فساد که در ابتدای تولیت ایشان در آستان قدس رخ داد، آقای رئیسی به هیچکس نگفته بودند، درحالیکه به شدت از آن رنج می بردند و با خودشان می گفتند چنین کاری با اموال کافر حربی انجام نمی دهند چطور با اموال امام رضا فردی چنین کاری می کند؟ من گفتم این مورد را به مقام معظم رهبری اطلاع دهید. ایشان گفتند چرا باید خاطر ایشان را مکدر کنم. خودم مسئله را حل می کنم. به شخصه فقط می دانستم آن فرد مشکل دارد اما داستان را دقیقا نمی دانستم.

ایشان هم از بیان داستان در رسانه ها خودداری می کردند تا اینکه از سوی رفقای همان فرد مطرح و پخش شد. اتفاقا در همان موقع هم تماس گرفتند که ایشان را آزاد کنید. آقای رئیسی گفتند اتفاقا رفقای خود آن فرد نامش را منتشر کردند، من که فقط به دادگاه معرفی کردم.

بعد مقامات آستان قدس آمدند و گفتند حاج آقا اطلاعیه بدهید. حاج آقا مخالفت کردند و گفتند حق ندارید اسم او را بیاورید. گفتند حاج آقا همه سایت ها اسمش را آورده اند. حاج آقا گفتند آن فرد هنوز منم است و جرمش اثبات نشده است. کلی کشمکش رخ داد آخر هم یک نفر خودش رفت مصاحبه کرد و توضیح داد. حاج آقا خیلی مقید هستند که تا جرمی اثبات نشده اسمی برده نشود و آبروی کسی نرود.



گرمی یک سلام

یکی از مکانیک‌ها مشغول تعمیر بود. جلو رفت. سلام و احوال‌پرسی گرمی با او کرد و بعد هم رفت. هنوز مکانیک در زبانت این برخورد بود که همکارانش دوره‌اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید فامیل هستی، مکانیک قسم خورد که اولین بار بوده که رئیس جمهور را دیده.»



صفای طلبگی

آدم پیچیده‌ای نبود، چه در قوه قضاییه و چه تولیت آستان قدس. مسئولیت‌ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشت. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی‌کرد.

کتاب سیدالشهدای

یا یک آیت الهی که دستگیر شده بود، از حاج آقا پرسیدیم جریانش چیست؟ حاج آقا ابا داشتند و نمی گفتند، اصرار کردم حاج آقا نکته های دینی و مذهبی زیبایی از ایشان در فضای مجازی منتشر می شود و اگر چیزی نکید همین بچه های خودمان که آنها را می خوانند منحرف می شوند. آنقدر اصرار کردیم که ایشان دو سه مورد گفتند.

ایشان یک طلبه بود در ابتدای انقلاب و آیت الله بهشتی طی تحقیقاتی که داشتند چندتن از طلاب از جمله ایشان را شناسایی و آموزش دادند. ایشان را که به کرج برده بودند، دو مسئله در آن شهر مطرح بود. یکی اینکه سرمایه داران در آن شهر حضور داشتند و دوم آنکه مسئله منافقین نیز در آنجا خیلی مطرح بود و یکی از عللی که منافقین دلشان خیلی از ایشان پر است به همین قضیه برمی گردد. طی برخوردهای قانونی که ایشان در آنجا انجام می دهند، نقشه قتل ایشان کشیده می شود که وقتی شهید بنی جمالی به جای ایشان می رود، متأسفانه ایشان را به شهادت می رسانند. پس از آن ماجراها و اینکه توانستند لیاقت خود را نشان بدهند، ایشان را ارتقا دادند و به استان همدان بردند. بعد از استان همدان ایشان تصمیم گرفت که به قم برگردد و طلبگی خود را ادامه دهد، اما آن روزها در تهران آقای موسوی خوینگی ها نمی گذاشت. هرچه ایشان اصرار داشتند که من میخوام به قم برگردم و درس بخوانم و سمت اجرایی نمی خواهم از آن سو بود که اصرار وجود داشت

که ایشان به کار اجرایی برگردند. این شد که به تهران رفتیم. چند سال گذشت و من هرچه می گفتم وسایل مان را از قم بیاوریم اما ایشان می گفت، نه، میخوایم برگردیم. لذا ایشان اصلاً بدنبال قدرت نبود. البته پشتوانه حکم امام برای ایشان نیز بسیار موثر بود.

این که امام اقای موسوی اردبیلی را داشته باشد اما تقریباً هرجایی که اختلافی پیش می آمد یک طلبه ۲۵ ساله را برای حل اختلاف بفرستد، خود در روند کار ایشان خیلی تأثیر داشت. بعد از آن سال ها بود که ایشان به سازمان بازرسی رفت. به یاد دارم آن روزها دولت اصلاحات به شدت از بازرسی های ایشان ترس داشت.

هرجایی که ایشان ارتقا پیدا می کرد یا ایشان را به زور و با فرمان مافوق می فرستادند یا حتی در برخی موارد اصلاً به ایشان نمی گفتند و ایشان را منصوب می کردند و در موردی حتی ایشان حکم خود را از رادیو می شنید و وقتی من به ایشان می گفتم که از رادیو شنیدم، ایشان باور نمی کرد و می گفت کسی به من چنین ابلاغی نکرده و حتی یک سوال هم از من نپرسیده اند. البته در مقابل آن حسادت ها هم بسیار بود. در بسیاری از موارد تا برای ایشان می خواستند حکمی بزنند عده زیادی می رفتند و سعایت ایشان را می کردند و می گفتند ایشان برای این پست مناسب نیست. در مورد حکم تولیت نیز هرطور توانستند سعایت کردند تا حکم برای ایشان نخورد

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کار



بحث نایب التولیه و حتی شورایی شدن تولیت نیز مطرح شد و جالب آن بود که ایشان در تمام طول آن مدت در خانه نشسته بود و اصلاً برایش مهم نبود و در نهایت حضرت آقا آن حکم را برایشان زدند

در طول زندگی مان هیچ گاه برای دریافت پستی ایشان خود را مطرح نکرد یا نرفت ریزی کند، لای کند تا آن پست را تحویل بگیرد. برای خیرگان نیز سه استان خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و گرگان چند مدت آمدند و پافشاری کردند که ایشان آمد. در این دوره اتفاقاً تهران خیلی پافشاری کردند که از تهران کاندیدا شوند، که ایشان در جواب گفت:

بینی و بین الله نمی شود بیرجند را کنار بگذارم و بیایم تهران. حتی من اصرار داشتم به تهران، چرا که ایشان بابت رفت و آمدهای به بیرجند خیلی اذیت می شدند. اما قبول نکردند.

چه شد که ایشان کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری را پذیرفتند؟

اصرار و پافشاری به ایشان زیاد بود و از طرف مردم هم شروع شد. حتی دوره های قبل هم برای درخواست آمده بودند، مردم حزب الهی و جامعه مداحان آمدند و پیشنهاد کردند. حتی خانواده هاشمی به ایشان می گفتند اگر شما رئیس جمهور بشوید خیلی خوب می شود. اما این روزها بیشتر اصرارها از سوی مردم در حرم مطرح می شد. من می گفتم حاج آقا این ها چه می گویند. ایشان در جواب می گفتند غصه نخور، خیری نیست.

من همچنین جایی را رها نمی کنم. اما این سیر همچنان ادامه پیدا کرد. تا اینکه بسیاری از مراجع قم اصرار کردند. اما باز هم ایشان نپذیرفت. از روزی که ایشان مشهد آمدند مراجع از جمله آیت الله وحید خلیلی ابراز خوشحالی می کردند. آیت الله وحید خودشان تشریف آوردند به دفتر حاج آقا. هرچه حاج آقا اصرار می کردند که من باید بیایم، شما چرا. اما ایشان می گفتند نه، خودم باید بیایم. یک بار مقام معظم رهبری هم به ایشان گفتند من از هیچ یک از انتصاب هایم مردم اینقدر از من تشکر نکرده بودند. از انتصاب شما مردم خیلی تشکر کردند. اینکه عده ای این روزها رابطه ما با آیت الله مصباح را بزرگ کردند، البته افتخار است برای ما این ارتباط، اما رابطه ما با همه مراجع همین طور است.

ما هرساله به خانه آیت الله جوادی آملی می رویم، با ایشان به سوویه رفتیم. رابطه خانوادگی که با آیت الله جوادی آملی داریم با آیت الله مصباح نداریم. خلاصه این داستان مردم ادامه پیدا کرد تا اینکه ۵۰ نفر از مجلس خیرگان آمدند و دعوت کردند. حاج آقا به آن ها گفت نکنید این کارها را، که آن ها در جواب گفتند ما به شما کاری نداریم، تکلیف مان را انجام می دهیم. رفتند خدمت آقا رسیدند و این پیشنهاد را مطرح کردند و آقا فرمودند من دخالت نمی کنم. تا اینکه یکی از مراجع به مشهد آمدند و با ایشان صحبت کردند و حجت را بر ایشان تمام کردند... منبع: تسنیم

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار



نمایندہ ہمہ!

بارہا **اہل سنت** بہش **اقتدا** کردند و پشت سرش **نماز** خواندند. بس کہ **قبولش داشتند**. اگر خودش ہم کمے دیر مے رسید، بدون **تامل** بہ **امام جماعت** **اہل سنت** اقتدا مے کرد.



رفع درد غربت!

دادستان شہر کرج بود. وضعیت **اسکان** جنگزدهہا را کہ دید آنقدر **رفت و آمد** کرد تا برآءشان **خانه** فراهم شد. **جنگزدهہا** آن روز **خاطرات خوشے** از **طلبہ جوان** دارند.

کتاب سیدالشہداء حضرت ناصر کارہ

خاطراتی از ۴۵ سال رفاقت تولیت سابق و جدید آستان قدس

آشنایی ما با آقای رئیسی به سالهای ۵۳ یا ۵۴ بازمی‌گردد در قم. چون پدر ایشان فوت کرده بود، یک حالت عاطفی بین من و ایشان ایجاد شد. در درس مکاسب با هم هم‌درس شدیم که مرحوم آیت‌الله خزعلی درس را می‌گفتند. مرحوم آیت‌الله آقای طاهری خرم‌آبادی هم خیار مکاسب می‌گفتند و آنجا یاز با هم می‌رفتیم و مباحثه می‌کردیم. در مدرسه خان مدرسه آیت‌الله بروجردی در سال ۵۶ یک مدتی، هم‌حجره بودیم، تا اینکه ساواک در آنجا را بست و طلبه‌ها را تخلیه کردند. یک خانه در محله دور شهر برای ما اجاره کردند که ده پانزده تا از طلبه‌ها آنجا ساکن شدیم و باز آنجا با آقای رئیسی هم‌حجره بودیم. یادم است یک سفر تبلیغی هم در سال ۵۶ به رفسنجان رفتیم. ده آخر ماه صفر دو سه روز توی مدرسه علمیه آنجا بودیم، بعد هم جا کرمان نیامد، گفتیم حالا که تا اینجا آمده‌ایم، به دیدن تبعیدی‌ها برویم. به سیرجان رفتیم که آقای خلخالی و آقای معادیزواه آنجا تبعید بودند. به دیدن آنها رفتیم، بعد از آنجا به بندرعباس و بعد به زاهدان، و بعد به ایرانشهر رفتیم به دیدن آقا (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) و آقای محمدجواد حجتی‌کرمانی که اینها در ایرانشهر تبعید بودند و یک شب هم آنجا بودیم خاطره‌ای هم از این دیدار دارید؛ پله شب بود مرحوم آقای طوسی و شهید هاشمی‌نژاد هم خانه آقا بودند. چند تا از طلبه‌ها هم از قم آمده بودند.

ایام تعطیلی درسها بود و می‌آمدند دیدار تبعیدی‌ها. سر شب بود، آمدند به آقا گفتند یک ماشین از قم می‌آمده که همین نزدیکی تصادف کرده و طلبه‌هایی که در ماشین بودند، مجروح شده و در ایرانشهر در بیمارستان هستند. آقا فوراً برخاستند و گفتند من باید بروم بیمارستان. من و آقای ریسی هم گفتیم می‌آییم که شما تنها نباشید. رفتیم بیمارستان. آنجا یک پلیسی بود که آقا می‌خواستند وارد بشوند اجازه نداد، ولی آقا با نثر گفتند "اینها مهمان من بودند، تصادف کرده‌اند برو کنار". پلیس واقعاً جا خورد و رفت کنار و رفتیم داخل اتاق. دیدیم آقای توحیدی داماد آقای بهاء‌الدینی روی تخت است و یکی دو نفر دیگر هم روی تخت هستند. آقا یک تفقد و عیادت‌ی کردند و برگشتیم. فردا گفتیم برویم دیدار آقای حجتی‌کرمانی که ایشان هم در ایرانشهر بودند. پنج شش نفری بودیم، البته من و آقای رئیسی هنوز معمم نشده بودیم، دو تا از طلبه‌های معمم از دوستان هم جلوتر از ما بودند. توی راه که پیاده می‌رفتیم به سمت خانه آقای حجتی، ساواک آن دو نفر را دستگیر کرد ولی ما را نشناختند، چون شخصی بودیم و عمامه نداشتیم. رفتیم خانه آقای حجتی و گفتیم توی راه که می‌آمدیم، دو نفر از دوستان را دستگیر کردند. یک ربعی که نشستیم در خانه را زدند. آقای حجتی گفت آمدند دنبال شما؛ همین‌طور هم بود. آقای حجتی رفت دم در و با نثر گفت: کسی اینجا نیامده، کی به شما خبر داده غلط کرده هر کس گفته؟

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ



شہید محراب

کتاب سید الشہداء - ناصر کار

شہید محراب

چنان با تشریح حرف زده، بیچاره‌ها رفتند که دیگر نیامدند. دو ساعتی پیش آقای حاجی بودیم و غروب که شد، برگشتیم خانه آقا و کسی هم در راه متعرض ما نشد. در مشهد آقا منزل ما تشریف می‌آوردند و ما هم منزل ایشان رفته بودیم. ایشان وقتی تبعید نشده بودند ما مقید بودیم مشهد که می‌رفتیم، برویم خانه آقا. چون آنجا همه جمع بودند؛ دانشجویان، طلاب و... در خانه باز بود، یک اتاق ایستاده بود و یک سماور بود که همان جا خود پچه‌ها جای درست، و پذیرایی می‌کردند. آقای رئیس خوش استعداد بود، هر مقدار که درس می‌خواند واقعا می‌فهمید و جلو می‌رفت. مقید به مباحثه بود. منظم در درس شرکت می‌کرد و بین طلبه‌های مشهدی به عنوان یک طلبه منظم، خوش استعداد و درس خوان مطرح بود. در ضمن شخصیتاً خونسرد بود و زود عصبانی نمی‌شد. از لحاظ اخلاق و حال و هوای معنوی، آدم خوش‌نفسی بود، الان هم همینطور است. یکی از امتیازات آقای رئیس همین است که واقعا به لحاظ خلق و خوی شخصی و فردی، ما که از دوران نوجوانی با هم بودیم تاکنون در مسئولیت‌هایی که چه در قوه قضاییه و چه تولیت آستان قدس داشته، فرقی نکرده و پست و مقام روی او اثر نگذاشته. نه اینکه تظاهر به تواضع بکند، چون بعضی‌ها تظاهر می‌کنند، نه، آقای رئیس همین است و الان او با بیست‌سال قبلش و با قبل از انقلاب فرقی نمی‌کند این یک خصلت بسیار پسنندیده است. روایتی از آیت‌الله مروی، تولیت آستان قدس رضوی

آیت‌الله رئیسی متواضع و نسبت به حقوق مردم حساس بود
شهید رئیسی بالاترین مقام اجرایی کشور دارای شخصیتی متواضع و برای مردم احترام قائل بودند و در بین مردم می‌رفتند و نسبت به حق آنها حساس بودند.

شهید رئیسی را شخصیتی ساده زیست و دوست داشتنی بودند و با حساسیت مساله فلسطین را پیگیری و دنبال می‌کردند.

شهید مرحوم آیت‌الله رئیسی مقید به سفرهای استانی منظم بودند و در بین مردم می‌رفتند و مشکلات آنها را از نزدیک رصد می‌کردند این کار مشکلی است، که در بین روسای جمهور کمتر دیده شده، اما آیت‌الله رئیسی با احترام به مردم با جدیت مشکلات آنها را پیگیری می‌کردند

من چندین ملاقات با مرحوم آیت‌الله رئیسی داشتم یک ملاقات زمانی بود که ایشان، تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشتند و تعریف کردند که در سن ۱۸ سالگی زمانی که شهید مطهری برای تدریس به قم می‌آمدند در کلاس درس ایشان شرکت می‌کردند و خیلی به مرحوم شهید مطهری علاقه مند بودند و از من خواستند یک دوره آثار استاد مطهری را برای ایشان ارسال کنم که این کار انجام شد.

علی مطهری نماینده اسبق تهران
منبع: خبرگزاری مهر

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار

بی تفاوت نبودی

پروژه احیای دریاچه ارومیه و فلات مرکزی، مگا پروژه انتقال آب خلیج فارس به عنوان طولانی ترین خط انتقال آب در کشور به طول ۸۰۰ کیلومتر از شرب بندرعباس،



بی درد نبودی

رایگان شدن همه خدمات درمانی بستری و سرپایی برای کودکان زیر ۷ سال،



کتاب سیدالشهدای سخت - ناصر کاره

خاطره متفاوت مسعود ده‌مکی از رئیس‌جمهور شهید

اردیبهشت سال ۱۳۷۱ اولین دیدار بین من و آقای رئیسی در دادگاه انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. آن زمان ایشان در مقام ریاست دادگاه انقلاب و من در مقام متهم بودم. بعد از گذراندن ۱۰ روز زندان انفرادی و مراحل بازجویی در زندان توحید و یا همان موزه عبرت فعلی که به جرم اعتراض به معضلات فرهنگی و کم‌کاری‌های دولت وقت و البته دستگیری تعدادی دیگر که کارشان چیزی بیشتر از اعتراض بود، به دفترشان فراخوانده شدم. برخلاف تصور با روی خوش به استقبال آمد و بعد توری پرورده گفت: اگر جای‌مان عوض می‌شد و من آن طرف میز بودم، همین کارهای اعتراضی تو را می‌کردم یک‌بار هم وقتی مستند «فقر و فحشاء» را ساختم و فیلم توقیف شد و پایم به دادگاه کشیده شد ایشان را در سازمان بازرسی کل کشور دیدم. فیلم را دیده بود. می‌خواستم مستند «از کجا آورده‌اید؟» را بسازم. گفت: هنوز هم تو آن طرف میز هستی و من این طرف و خوشحالم که بعد از ۱۰ سال هنوز کم نیآورده‌ای

آخرین دیدارمان پس از ریاست جمهوری ایشان بود. در ضیافت افطار کنار هم نشسته بودیم. هم قبل از افطار پشت تریبون و هم سر سفره که من را به کنارش فراخواند، کلی به مسائل موجود نقد کردم و ایشان هم مثل قبل صبورانه گوش داد و آخرش گفت

من نسبت به تو همان ارادت ۳۰ سال پیش را دارم. من هم گفتم: من هم دوست‌تان دارم و به شما رأی داده‌ام اما باز من این طرف میز هستم و شما آن طرف و قبول دارید نقد منصفانه به دولت بهترین کمک به دولت شما است؟ گفت: قبول دارم. شاید می‌خواست بگویند، من هم آن طرف میز بودم همین کار تو را می‌کردم. خدا شهید خدمت ایران را با جدش محشور کند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (آینا)


سیدالشهدای خدمت

حقیقتاً کسی که می‌خواست به مقام شهادت برسد باید قبلش شهید باشد و ما این را در آقای رئیسی می‌دیدیم. شهدا در مسیر زندگی رنگ و بوی دیگری دارند و به خدا پیوسته هستند و در گفتار، منش و رفتارشان اخلاص را می‌دیدیم. من وقتی منش ایشان را در رفتار با کودکان و با مردم می‌دیدم یاد قصه‌های راستین آقا علی‌بن ابی‌طالب می‌افتادم و در آینده اسرار زیادی از زندگی ایشان بیان خواهد شد که چراغ راه همه ما خواهد بود. زنگانه با اشاره به سفر رییس‌جمهور به مراوه‌تپه، گفت: در این سفر ایشان تأکید داشت که بین مردم حاضر شوند و شهید موسوی محافظ آقای رییس‌جمهور از من خواستند که کمک کنیم که اوضاع مدیریت شود اما آقای رئیسی در نهایت در یکصد متری محل سخنانی هیچکس نتوانست ایشان را نکه دارد و بین مردم حاضر شدند. زنگانه استاندار گلستان، خبرگزاری برنا از گرگان


کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کارگر



منزوی نبودی

عضویت ایران در گروه بریکس در کنار برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی. 

بی سواد نبودی

رتبه دوم ایران در کشورهای جهان از نظر رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۳ 

کتاب سواد اجتماعی - ناصرخاوه

خاطرات بازگوشده سردار اشتری از حضور شهید رئیسی در فراجا

یکی از خاطرات خوبی که از ایشان در ذهنم مانده، این است که هر زمانی به ایشان مراجعه می‌کردیم چه در دوره ریاست جمهوری و چه دوره قوه قضائیه یا آستان قدس یا قبلتر از آن که معاون اول قوه قضائیه بودند، با روحیه باز و گشاده با موضوعات برخورد می‌کردند. شهید رئیس بزرگوار با دقت، موضوعات را دنبال و پیگیری می‌کردند و معتقد بود که اگر دستوری داده شود حتماً به خوبی انجام شود. در چند مراسمی که ما در فراجا برگزار کردیم هر زمان که از شهید رئیسی برای حضور دعوت می‌کردیم، ایشان با روی باز قبول می‌کردند و اگر ماموریت نداشتند حتماً در مراسم شرکت می‌کردند. در یکی از مراسم‌های (میحگاه فراجا) که شهید رئیسی حضور داشتند بعد از اتمام مراسم با حوصله به تمام مراجعاتی که چه از طرف فرماندهان، چه افراد دیگر به ایشان می‌شد پاسخ می‌داد و برای هم‌صحبتی با هر فرد با روی گشاده و مرحمت وقت می‌گذاشتند. این شهید بزرگوار برای رفع مشکلات کارکنان فراجا تلاش می‌کرد و حتی در یک جلسه‌ای که من به عنوان فرمانده فراجا برخی از مسائل را بیان کردم، ایشان گفتند "من هرچقدر که بتوانم کمک می‌کنم چون نیروهای خدوم و زحمت کش انتظامی حفاشان این است که بخشی از مشکلاتشان را بتوانیم حل کنیم" و انصافاً هم هر کمکی در راستای رفع مشکلات می‌توانستند انجام دادند.

شهید رئیسی بسیار روحیه مردمی داشتند و در تمامی برخوردهایشان چه انفرادی و چه عمومی می‌توانستیم تواضع و فروتنی را خصوصاً با مردمی که از نظر اقتصادی ضعیف هستند، را ببینیم. بنده از نزدیک می‌دیدم که با جدیت به دنبال این هستند که منویات و تدابیر مقام معظم رهبری اجرا شود؛ به زبان دیگر بگویم که ممکن است فردی در رابطه با منویات حضرت آقا، یک چیزی بگوید و یک چیز دیگر عمل کند اما حرف و عمل آقای رئیسی در زمینه منویات حضرت آقا یکی بود. تمام هم و غم شهید آیت‌الله رئیسی این بود که تدابیر حضرت آقا را به ویژه آن بخشی از تدابیر که مربوط به مشکلات مردم و مسائل اقتصادی است را اجرا کند تا خدایی نکرده فرمایش رهبری زمین نماند؛ این ویژگی یکی از خصلت‌های خوب شهید رئیسی بود. رئیسی سراپا اخلاص بود و در انجام امورات، می‌توانستی متوجه شوی که ایشان فقط برای خدا کار می‌کند و اصلاً به نامهربانی‌ها توجه‌ای نمی‌کرد چرا که هدفش خدمت به مردم بود. همانطور که رهبری فرمودند کارها بدون هیچگونه توقف و اخلاص ادامه پیدا خواهد کرد؛ این کشور با داشتن سکاندار عزیز می‌مثل امام خاتمه‌ای مشکلی نخواهد داشت؛ اکنون ایران در شرایط بسیار خوب امنیتی قرار دارد و هیچ مشکلی در ارتباط با اداره کشور وجود ندارد. ما رئیس جمهوری را از دست دادیم که مجاهد فی سبیل‌الله بود و شبانه‌روز خدمت می‌کرد؛ به عبارتی سیدالشهدای خدمت یا خادم‌الرضا را از دست دادیم. منبع: تسنیم



شہید کاتر والک رحمتی
استاذ ادارہ انقلابی و مددین آذربائیجان شرقی



شہید کاتر حسین امیر عبدالاحدیان
وزیر خارجه مجاهد و فعال

کتاب سید الشہداء خدمت _ ناصر کارہ

قلبا دوست داشتیم آقای شهید رئیسی عزیز

برای انتخابات ۹۶، بچه‌ها یه چیزی آماده کرده بودن با تیتِر "کدام روحانی"؛ که مقایسه عملکرد روحانی و رئیسی بود. دو نفر دونفر چند روزی این برگه‌ها رو پخش می‌کردیم، به همین بهانه هم با مردم راجع به انتخابات صحبت می‌کردیم زیرپوستی هم می‌گفتیم، بیاید به رئیسی رای بدید. سال ۹۷ شعار نشست میان دوره اتحادیه شده بود "مسئول مردمی- نظارت همگانی". از آقای رئیسی به خاطر روحیه مردمی تو آستان قدس هم دعوت کردیم بیاد تو نشست. ایشون پذیرفت و نهایتاً قرار شد تو حرم جلسه برگزار بشه. به عنوان مقدمه‌ی صحبت بچه‌ها چند جمله‌ای صحبت کردم، خوب یادمه گفتم: "امروز مهمان شخص عزیزی هستیم" ادامه دادم "البته منظورم امام (رضاع) است" خندید و جلسه رو ادامه دادیم. ۱۶ آذر ۱۴۰۲ که رئیس جمهور اومده بود دانشگاه شهید بهشتی، بعد از صحبت دانشجویها و قبل صحبت آقای رئیسی یکی از اعضای نهاد ریاست جمهوری از خواست موقیع دعوت حاج آقا بگم "رئیس جمهور محبوب و جهادی" گفتم از من این حرفا برقیاد و نگفتم. همونجور عادی از شون دعوت کردم. کلا بنای ما دانشجوها اینه به هیچ مسئولی رو ندیم، حتی به شما که در این ۹ سال هرجا بودی هوای دانشجو را داشتی. ولی از وقتی شناختمت قلبا دوست داشتیم شهید ابراهیم رئیسی عزیز، ما دانشجوها بیشتر از بقیه، اسماعیل کوهی مقدم، خیرگزاری دانشجو

غلامعلی حیدری استاندار چهارمحال و بختیاری

نقطه مشترک شهید رئیسی و شهید رجایی مردمی و جهادی بودن بود، او همواره شنوای درد مردم مستضعف و در پی برقراری عدالت بود. حضور حماسی مردم چهارمحال و بختیاری در استقبال از ریاست جمهوری نشان‌دهنده عرق ملی مردم استان به این شهید بزرگوار بود و همواره منافع ملی را بر منافع شخصی خود ترجیح می‌داد.

شهید رئیسی در تمام مشکلات استان مثل بارش برف در سال ۱۴۰۱ همواره یاور مجموعه مدیریتی استان بودند، به طوری که در ساعات اولیه از اوضاع مطلع می‌شدند و امکانت را در جهت رفع مشکلات مردم بسیج می‌کردند. در مدتی با ایشان همراه بودیم ایشان همواره در حال تضرع و خشوع به درگاه خداوند بود به طوری که در همه حال ارتباط قوی و معنوی با خداوند داشت. به گزارش خیرگزاری ایمننا

برای شما طلب مغفرت می‌کنم

در مناظره‌های انتخابات ۱۴۰۰ یکی از نامزدها آقای رئیسی که دکترای فقه و حقوق دارد را تمسخر کرد و آن موضوع مدتها ادامه پیدا کرد. آقای رئیسی بعد از مناظره رفت به آن نامزدی که توهین و تمسخر کرده بود گفت: برای شما طلب مغفرت می‌کنم. خاطره وزیر فرهنگ و ارشاد محمد مهدی اسماعیلی در مورد منش شهید رئیسی در گفتگوی ویژه خبری شبکه خبر

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصر کارگر

زخم بر زخم است آری، داغ ابراهیم ما
 دشمنان اما می‌بینند هرگز بیم ما
 داغ بر داغ است آری داغ باران شهید
 آری اما عاقبت غم می‌شود تسلیم ما
 تا شهادت با ولایت راه و رسم کوثری‌ست
 مادر سادات فرمود این روش تعلیم ما
 روز میلاد علی موسی‌الرضا جان سال‌هاست
 روز پرواز کبوتر بوده در تقویم ما
 در میان کوه‌های کثورت آسوده‌ای
 آه ابراهیم، ابراهیم، ابراهیم ما

«نگاهی به زندگی‌نامه شهید آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی»
 آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی در آذرماه سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی در شهر مشهد و در محله نوغان دیده به جهان گشود.
 نوغان یکی از چهار بخش قدیمی و اصلی است که مشهد برپایه آنها شکل گرفته است و از فقیر تا غنی در هر کدام از بخش‌های این شهر زندگی کرده و می‌کنند، حتی امروز که بافت فرسوده دارد
 پدر ایشان حجت الاسلام سیدحاجی رئیس الساداتی و همچنین مادر وی سیده عصمت خدادادحسینی از سلاله سادات حسینی و نسبت اش از هر دو طرف به حضرت زید بن علی بن الحسین (ع) می‌رسد. دکتر رئیسی در ۵ سالگی پدر خود را از دست داد. ابراهیم تحصیلات ابتدایی را در مدرسه جوادیه گذرانده و تحصیل در علوم حوزوی را در مدرسه نواب و سپس در مدرسه آیت‌الله موسوی‌نژاد شروع کرد



کتاب سیدالشهدای غدخت - ناصرکار

در سال ۱۳۵۴ جهت ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم و مدرسه آیت الله بروجردی رفت و مدتی نیز در مدرسه‌ای که با مدیریت آیت الله پسندیده تحت نظر امام خمینی اداره می‌شد، تحصیل نمود.

سید ابراهیم رئیسی در حوزه علمیه قم، اصول فقه را نزد آیت الله مروی، لمعتین را محضر آیت‌الله فاضل هرنیدی، رسائل را نزد آیت‌الله موسوی تهرانی، مکاسب محرمة را خدمت آیت الله دوزدوزانی، کتاب البیخ مکاسب را نزد آیت‌الله خزعلی، خیارات مکاسب را نزد آیت الله ستوده و آیت‌الله طاهری غرم‌آبادی و کفایه را خدمت آیت‌الله سید علی محقق داماد، تفسیر قرآن کریم را نزد آیت الله مشکینی و آیت الله خزعلی، شرح منظومه و فلسفه را نزد آیت‌الله احمد بهشتی و دوره شناخت را نزد آیت الله مطهری و نهج البلاغه را محضر آیت الله نوری همدانی آموخت.

آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی از درس خارج اصول آیت الله سید محمدحسن مرعشی شوشتری و آیت الله هاشمی شاهرودی و خارج فقه آیت الله آقا مجتبی تهرانی و آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب استفاده کرده است علاوه بر این ایشان با اتمام دوره سطح حوزه توانست به دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی راه یافته و پس از دفاع از پایان نامه خویش با عنوان «ارث بلا وارث» در سال تحصیلی ۱۳۸۰ با قبولی در کنکور دکتری مدرسه عالی شهید مطهری در رشته فقه و حقوق خصوصی ادامه تحصیل دهد.

آیت الله سید ابراهیم رئیسی با تکمیل تحقیقات خود در حوزه فقه و حقوق، موفق به اخذ مدرک عالی‌ترین سطح آموزشی حوزه (سطح چهار) شد و در نهایت رساله دکتری خود را با عنوان «تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق» دفاع نمود و با اخذ نمره ممتاز به درجه دکتری فقه و حقوق در مدرسه عالی شهید مطهری نائل شد.

فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، انقلابی و مبارزاتی، مسئولیت‌ها در پی اهانت به امام خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دیماه سال ۱۳۵۶ و آغاز حرکت‌های مردمی، دکتر رئیسی در اجتماعات اعتراضی که مبدأ اغلب آنها مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) بود، شرکت داشت و در قالب هسته‌ای از طلاب انقلابی فعالیت می‌نمود. وی در این دوران فعالیت‌های مبارزاتی خود را در قالب ارتباط با علمای انقلابی آزاد شده از زندان و یا در تبعید، پی گرفت. همچنین در جمعاتی مثل تحصن علما و روحانیون در دانشگاه تهران، شرکت نمود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وی در دوره تربیتی خاصی که مرحوم شهید بهشتی جهت کادرسازی برای تأمین نیازهای مدیریتی نظام اسلامی برگزار کرده بود، شرکت کرد و به دنبال شورش‌های مارکسیستی و ایجاد مشکلات متنوع در مسجد سلیمان، به همراه گروهی از طلاب در قالب فعالیتهای فرهنگی به آن منطقه رفت. پس از بازگشت از مسجد سلیمان، مجموعه سیاسی- عقیدتی پادگان آموزشی ۰۲ در شاهرود را تأسیس و برای مدت کوتاهی آن را اداره کرد.



حضور در تظاهرات ضد رژیم

با اوج‌گیری مبارزه علیه رژیم شاه در سال ۱۳۵۶ که در پی شهادت آقا مصطفی خمینی و متعاقب آن، قیام ۱۹ دی‌ماه رخ داد، حجت‌الاسلام رئیسی که در آن موقع حدوداً ۱۷ ساله بود، به همراه دیگر طلاب مبارز در تظاهرات حضور می‌یافت. وی در این باره می‌گوید: «در ایام انقلاب که تظاهرات در قم به طور رسمی از ۱۹ دی آغاز شد، در همه این تظاهرات شرکت می‌کردم. جوان بودم و روحیه جوانی داشتم و در همه اجتماعاتی که در خانه مراجع و علما برگزار می‌شد شرکت می‌کردم»

بعد از جریان اهانت به حضرت امام که طی انتشار مقاله‌ای توسط فردی به نام رشیدی‌مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شده بود، مبدأ این اجتماعات بیشتر مدرسه آیت‌الله بروجردی بود. در بیشتر این اجتماعات از منزل مرحوم آیت‌الله گلپایگانی گرفته تا منزل همه علما شرکت می‌کردم؛ تا اینکه روز ۱۹ دی فرا رسید و در منزل آیت‌الله حسین نوری تیراندازی شد و عده‌ای به شهادت رسیدند. در همه این اجتماعات توفیق داشتم که در منازل علما باشم

کار ما همیشه تا ۱۹ دی این بود که صبح به منزل یکی از مراجع می‌رفتیم و شب به منزل یکی دیگر. از مراجع می‌رفتیم و شب به منزل یکی دیگر. بعد از ۱۹ دی هم ضمن اینکه سعی می‌کردیم به درس‌ها توجه داشته باشیم، اما در کنار آن حتماً نسبت به خیرهای انقلاب و توجه به اطلاعیه‌ها و پیام‌های امام که از نجف می‌دادند حساسیت داشتیم و جزء برنامه‌های ما قرار گرفت. یعنی با توجه به آن شرایط علاوه بر مسئله درس، نسبت به مسائل سیاسی کشور حساسیت داشتیم. در تهران اجتماعاتی بود، گاهی به آنجا می‌رفتیم و گاهی هم در حرم بودیم

هسته مبارزاتی طلاب در مدرسه آیت‌الله بروجردی

در اجتماعات طلبگی در مدرسه آیت‌الله بروجردی هسته‌ای از بچه‌های انقلابی بود که متلاً جدیدترین اعلامیه‌ها را در مدرسه نصب می‌کردیم و جدیدترین نوارهای انقلابی مربوط به مقام معظم رهبری را که در مشهد بودند و به قم می‌آمد در اختیار دوستان قرار می‌دادیم. هسته‌ای بود که بیشتر جمعی از جوان‌های هم سن و سال خود ما در مدرسه آیت‌الله بروجردی بودند



کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصرکار

«در اجتماعات طلبگی در مدرسه آیت‌الله بروجردی هسته‌ای از بچه‌های انقلابی بود که مثلاً جدیدترین اعلامیه‌ها را در مدرسه نصب می‌کردیم و جدیدترین نوارهای انقلابی مربوط به مقام معظم رهبری را که در مشهد بودند و به قسم می‌آمد در اختیار دوستان قرار می‌دادیم

هسته‌ای بود که بیشتر جمعی از جوان‌های هم سن و سال خود ما در مدرسه آیت‌الله بروجردی بودند. بعد از بسته شدن فیضیه و دارالشفاء، مدرسه خان که مدرسه آیت‌الله بروجردی بود و مرکزیت داشت هر وقت هر کس از منزل بیرون می‌آمد و به حرم می‌رفت سری هم به مدرسه خان می‌زد. مدرسه خان مرکزیت و پایگاه خبرگیری و خبرسانی درباره مسائل انقلاب شده بود.»

دستگیری توسط ساواک

«قبل از انقلاب یک بار در قم دستگیر شدم و آن هم موقعی بود که با دو نفر از طلبه‌ها داشتیم به یزد می‌رفتیم که در راه‌آهن دستگیر شدیم. تصور می‌شد همراه ما اعلامیه‌های امام هست، البته همراه بعضی از دوستان بود، ولی به یک شکی جاسازی کرده بودند که کسی متوجه نشود که آن‌ها هم متوجه نشدند.»

اولین دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای

«علاوه بر جلساتی که ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای] داشتند، به عنوان یک طلبه چون به همراه دیگر دوستان خدمت ایشان حاضر می‌شدیم

اولین برخورد ما با حضرت آقا موقعی بود که با یکی از دوستان به منزل آقای محامی در مشهد رفته بودیم. آقای محامی در مشهد نماینده و وکیل وجوهانی امام بودند. همه می‌دانستند ایشان وکیل امام است. به منزل ایشان رفته بودیم که آقای هاشمی‌نژاد و آقای خامنه‌ای آنجا آمده بودند. ظاهراً آن سه بزرگوار با هم جلسه داشتند و من هم با یکی از دوستان طلبه منزل آقای محامی بودم.»

گفتگو با آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت

«دومین برخورد با حضرت آقا [در مسجد کرامت بود که به عنوان طلبه با ایشان گفت‌وگویی داشتیم. دم در مسجد کرامت ایستاده بودیم و با ایشان صحبت می‌کردیم و مدت طولانی هم با بزرگواری حرف‌های ما را گوش می‌دادند.» دومین برخورد با حضرت آقا [در مسجد کرامت بود که به عنوان طلبه با ایشان گفت‌وگویی داشتیم. دم در مسجد کرامت ایستاده بودیم و با ایشان صحبت می‌کردیم و مدت طولانی هم با بزرگواری حرف‌های ما را گوش می‌دادند.

سفر به ایرانشهر برای دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای

«همیشه شیفته سخنرانی‌ها و شخصیت انقلابی ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای] بودیم. به دلیل علاقه‌ای که به ایشان داشتیم، قبل از پیروزی انقلاب یک سفر تبلیغی داشتیم که با بعضی از طلاب به رفسنجان رفته بودیم و سفر تبلیغی خود را به سفر سیاسی تبدیل کردیم. در آن زمان شروع کردیم با تبعیدی‌ها دیدار داشته باشیم. سراغ آقایان معادلی‌خواه و خلغالی رفتیم. آقای خلغالی در رفسنجان در تبعید بود. از آنجا هم به عشق دیدار با حضرت آقا به ایرانشهر رفتیم. یک شب آنجا بودیم که دو نفر از طلبه‌ها را در خیابان دستگیر کردند که معمم بودند. ما دو نفر شخصی بودیم و به منزل جنتی کرمانی رفته بودیم. گفتند دیشب پنج شش بار از ساواک سراغ شما را گرفته‌اند که شما را ببرند که ما به شکلی این‌ها را دست به سر کردیم. بعد هم فرمودند اینجا یک راه مخفی در ذهنم هست که با یک نفر راه‌بند شما را از آنجا رد می‌کنم، چون شما بلد نیستید. ساعت نه صبح که در منزل ایشان صبحانه خوردیم و آماده شدیم، فرمودند شما دو نفر با این‌ها حرکت کنید و از شهر بیرون بروید که این‌ها قطعا شما را می‌گیرند. ایشان عامل فراری دادن ما دو نفر از ایرانشهر شدند، چون دو نفر دیگر ما را دستگیر کرده بودند. آقای بود که

ایشان را می‌شناسم منتهی ایشان هم مهمان بود و به دیدار ایشان آمده، ولی راه بلد بود؛ چون یک ماهی بود که در منزل آقا حضور داشت قبل از انقلاب به زاهدان و منزل آقای کفعمی رفتیم که عالم شهر بود و در منزل ایشان آقای هاشمی‌نژاد و آقای طبسی که به دیدن آقا در ایرانشهر رفته بودند - منتهی داشتن بر می‌گشتند - هم حضور داشتند. یک شبی منزل آقای کفعمی بودیم. وقتی از ایرانشهر بیرون آمدیم دیگر تحت تعقیب نبودیم.» دو سال قبل از انقلاب با طلبه‌ها که می‌نشستیم و صحبت می‌کردیم گفتند اگر شاه برود چه کسی می‌خواهد مملکت را اداره کند؟ من هم گفتم همین آقای خامنه‌ای امام جماعت مسجد کرامت بهترین شخص برای ریاست جمهوری است. آن موقع مرا مسخره کردند که این چه حرفی است که می‌زنی؟ اما انسان در جیب ایشان توان مدیریتی را می‌دید

حجت‌الاسلام‌المسلمین رئیسی در بخش دیگری از خاطراتش می‌گوید: «حضرت امام همیشه به عنوان یک شخصیت الگو و محوری بودند، اما یادم می‌آید دو سال قبل از انقلاب با طلبه‌ها که می‌نشستیم و صحبت می‌کردیم گفتند اگر شاه برود چه کسی می‌خواهد مملکت را اداره کند؟ من هم گفتم همین آقای خامنه‌ای امام جماعت مسجد کرامت بهترین شخص برای ریاست جمهوری است. آن موقع مرا مسخره کردند که این چه حرفی است که می‌زنی؟ اما انسان در جیب ایشان توان مدیریتی را می‌دید. عرض کردم در مشهد عالم زیاد داشتیم، اما عالمی که جوانان اعم از دانشجو و طلبه را دور خودش جمع کند نداشتیم. درس‌های تفسیر ایشان واقعا جا نبود

این درحالی بود که ایشان تحت تعقیب و گاهی زندان بودند و در تبعید نمی‌گذشتند که ایشان آزادانه عمل کند، ولی باز هم در این شرایط از این امور غافل نبودند و بدان‌ها توجه می‌کردند.» حضور در میان علمای متحنن

در بهمن ۵۷ هنگامی که علما در اعتراض به بسته شدن فرودگاه‌ها و ممانعت از ورود امام، در دانشگاه تهران متحنن شدند، حجت‌الاسلام رئیسی نیز در دانشگاه تهران فعالیت داشت. آن زمان [که] امام هنوز نیامده بودند، جزء جوانانی که در دانشگاه تهران فعالیت می‌کردند بودم؛ البته نه به عنوان متحنن، چون علما متحنن بودند. در تمام آن یک هفته تحسن آنجا حضور داشتم، البته می‌گویم در عداد همان جوانانی که آنجا بودند فعالیت می‌کردم و دوست داشتم آنجا باشم. یعنی تمام آن یک هفته‌ای که آقایان تا آمدن امام متحنن بودند، در جمع همین جوانان پرشور حضور داشتم. بخشی از خاطرات شهید سید ابراهیم رئیسی است که در گنجینه تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی ثبت و ضبط شده است و برای نخستین بار منتشر شد





رئیس‌ی عزیز خستگی نمیشناخت

این حادثه‌ی ناگوار در اثنای یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکمیره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد. رئیس‌ی عزیز خستگی نمیشناخت، در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و باارزشی را از دست داد. برای اوصلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آرزو گنجایش از ناسیاسی و طبعی برخی بد خواهان، مانع تلاش شبانه‌روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمیشد. ❏

ای مرد، در میانه‌ی میدان چه می‌کنی؟!
 در لابلای جنگل و باران چه می‌کنی؟!
 میز ریاست تو چه کم داشت از رفاه
 در ورزشان و در مه و بوران چه می‌کنی؟!
 دل کنده از اوامر و دستور و پایتخت
 در نقطه‌های مرزی ایران چه می‌کنی؟!
 ای هفت‌روز هفته، به فکر ضعیف‌ها
 هم شانه‌ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!
 تهران اگر که شهر و مقر ریاست است
 پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!
 در نقطه صفر مرزی چه کار می‌کنی مرد؟

صندلی نهاد ریاست جمهوری خار داشت که پشت آن نشستنی تا این شب

عیدی، پیام تبریک برای این و آن ارسال کنی؟

می‌خواستی مثلا بگویی مردمی هستی؟

خب سوار تویوتا لنده‌کروز ضدگلوله می‌شدی و چند نفر آدم را پیدا می‌کردی

و از بین‌شان ردی می‌شدی و صدای شاتر دوربین‌ها و تمام

به جهنم که پیرمرد روستای دیزج ملک از زمان رضاخان تا الان، یک فرماندار

را از هم نزدیک ندیده. به جهنم که روستای کهنه‌لو به ورزشان یک جاده

درست و حسابی ندارد. به جهنم که روستای گیغول په درمانگاه ندارد و

همین ماه پیش یک زن جوان، قبل از اینکه به زایشگاه شهرستان برسد،

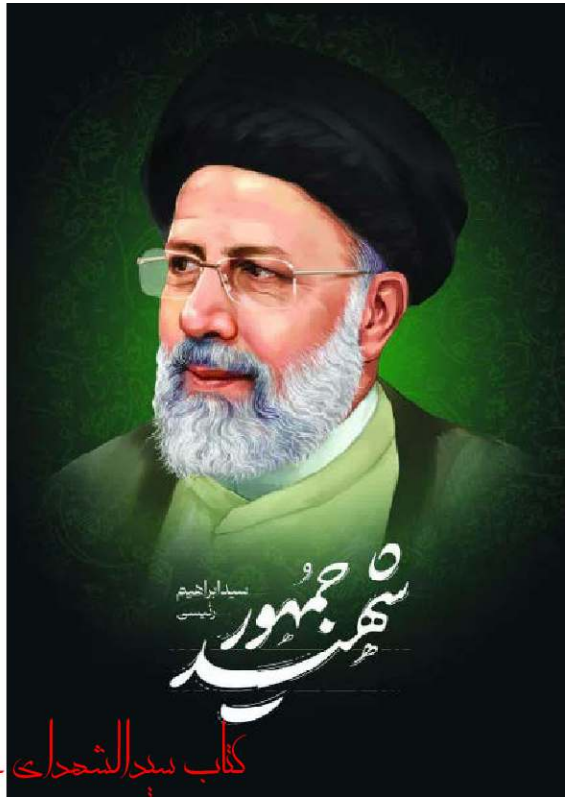
بچه‌اش سقط شد. لاف‌ل یک جای نزدیک با دسترسی هموار می‌رفتی سید!

سراغ نقطه‌ای رفتی که کل مملکت بسیج شده‌اند برای پیدا کردن؟! انصافت را

شکر. می‌گویند آن‌جا باران گرفته. زیر باران دعا مستجاب است. دعا کن برای

خودت. دعا کن برای ما؛ پیرمرد روستای کهنه‌لو را که یادت نرفته؟ همان که

هنوز یک فرماندار را هم از نزدیک ندیده؟ دعا کن سید!



همه چیز درباره ماجراهای سال ۱۳۶۷ و اعدام منافقین

سید ابراهیم رئیسی از اعضای هیئت چهار نفره حوادث تابستان ۶۷ بود. این موضوع را پسر آیت الله منتظری در سال ۹۵ با انتشار نواری از پدرش خبری کرد و مرحوم روح الله حسینیان در این زمینه از رئیسی تقدیر کرد

«برخی از منافقینی که می‌گفتند ما توبه کرده‌ایم، بعد از آزادی از زندان دوباره اسلحه به دست گرفته و مردم و مسئولان را ترور کردند... آقای رئیسی کسی است که در دهه ۶۰ با برخورد با منافقین امنیت کشور را تأمین کرد، به جای اینکه از ایشان تقدیر شود برخی در انتخابات آن حرف‌ها را علیه ایشان مطرح کردند»

رئیسی درباره این موضوع، مدتی سکوت کرد اما در سال ۹۷ در پاسخ به سوالی در روز دانشجو ماجرا را اینگونه روایت کرد:

«در سال ۶۷ افرادی از منافقین پرونده آنها مورد رسیدگی قرار گرفته بود و دادگاه حکم داده بود و دیوان عالی کشور نیز تایید کرده بود، ولی فوراً نیاز نبود که حکم‌شان اجرا شود

امام خمینی گفتند آنها که حکم‌شان تایید شده ولی اجرای آن به دلایلی به تأخیر افتاده، هیأت‌های بنشینند و بررسی کنند که آیا شرایط اجرای حکم وجود دارد یا نه؟

فقط برای کسانی که جرم و حکمشان قطعی شده بود...

من به دفتر نشر آثار امام(ره) گفتم میانی فقهی حکم امام را توضیح دهند.

برخورد امام در جریان نفاق، برای همیشه کشور را از لوٹ منافقین پاک کرد اما برخی برای آنکه هدف برایشان، وسیله را توجیه می‌کنند، نسبت به من و امام و انقلاب تسویه کردند، در حالی که من هیچکدام از آن سه سمت تصریح شده را در حکم امام نداشتم»

پرونده بهزاد نبوی و خسرو تهرانی در سال ۱۳۶۰

پرونده انفجار نخست‌وزیری در هشت شهریور ۶۰، در سه مرحله رسیدگی شد. در مرحله سوم، محمد موسوی خوئینی‌ها مسئولیت رسیدگی را به ابراهیم رئیسی معاون سیاسی دادسرای انقلاب تهران داد.

شماره از اعضای جناح چپ چون خسرو تهرانی مسئول سابق اطلاعات نخست‌وزیری دستگیر شدند و سعی بر بازداشت بهزاد نبوی سخنگوی دولت محمد علی رجایی نیز شد. در نهایت اما امام این پرونده را مضمومه کرد رئیسی در سال ۸۸ نیز از سوی محمود هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه مأمور شد تا در قالب هیات ویژه سه نفره به موضوع آزار و اذیت در بازداشتگاه کهریزک بپردازد

مهدی کروبی اعلام کرده بود که برخی معترضان بازداشت‌شده در بازداشتگاه کهریزک آزار و اذیت شده‌اند. این هیات ویژه سخنان کروبی را رد کرد و خواستار برخورد «قاطع» با افرادی شد که با نشر «اکاذیب» باعث «هتک حیثیت و اعتبار» نظام شدند

ابراهیم رئیسی «مسئله کهریزک» را «حاشیه‌ای» دانست و گفت متن اصلی ظلم بزرگ به نظام اسلامی است

| در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰، ابراهیم رئیسی، معاون قوه قضائیه ایران از قصد این قوه برای محاکمه رهبران مخالف دولت سخن گفت. او با متهم کردن مهدی کروبی و میرحسین موسوی از رهبران مخالفان دولت به ضربه زدن به ارزش‌های نظام، اعلام کرد که دستگاه قضا با قاطعیت، سران فتنه را محاکمه می‌کند رئیسی همچنین معتقد است که حصر سران جنبش سبز اقداسی فضایی نبوده و حصر خانگی به منظور تأمین امنیت خود آن‌ها است

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار



بعد از رحلت امام (ره) آیت الله سید ابراهیم رئیسی با حکم رئیس قوه قضائیه وقت به سمت دادستان تهران منصوب شد و از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳ به مدت پنج سال این مسئولیت را برعهده داشت. ایشان از سال ۱۳۷۳ به ریاست سازمان بازرسی کل کشور منصوب شد که خدمت ایشان در این سمت تا سال ۱۳۸۳ ادامه یافت. دوره مدیریت آیت الله رئیسی بر سازمان بازرسی کل کشور نقطه عطفی در زندگی ایشان بود. وی که یک مدیریت کلان ملی را به مدت ده سال تجربه می کرد با اتکاء به تجربیات اندوخته خود نظارت بر دستگاه‌های اداری را متحول و نظام مند کرد.

سازمان بازرسی کل کشور در زمان تصدی ایشان با توسعه متوازن ساختاری مواجه شد و به عنوان یکی از ارکان نظارتی نظام جمهوری اسلامی تثبیت شد. این دوران که با روی کارآمدن دولت اصلاحات همزمان بود بسیاری از گره های نظام اداری و اقتصادی شناسایی و راهکار بیرون رفت از زمینه فساد در آن تدوین شد. بعضی پرونده های جنجالی مفاسد اقتصادی محصول فعالیت شبانه روزی آیت الله رئیسی و همکارانش در این سازمان و در آن دوره بود

ورود آیت الله رئیسی به عرصه مدیریت از سال ۱۳۵۹ و با حضور در جایگاه دادیاری شهرستان گرج آغاز شد و پس از مدتی با حکم شهید قدوسی، به سمت دادستان گرج منصوب شد.

موفقیت او در ساماندهی وضعیت پیچیده این شهر موجب شد تا پس از دو سال در تابستان ۱۳۶۱ همزمان با دادستانی شهر گرج، مسئولیت دادستانی شهر همدان را نیز عهده دار شود. حضور همزمان او در این دو مسئولیت، برای مدتی ادامه یافت تا آنکه به عنوان دادستان استان همدان معرفی شد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲، در این سمت خدمت نمود

دکتر رئیسی در سال ۱۳۶۲ در سن ۲۳ سالگی با دکتر جمیله سادات علم الهدی دختر ارشد آیت الله سید احمد علم الهدی ازدواج کرد. خانم دکتر علم الهدی دانشیار رشته فلسفه علوم تربیت دانشگاه شهید بهشتی تهران، رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی است. آیت الله رئیسی و خانم دکتر علم الهدی دارای دو فرزند دختر هستند.

دکتر رئیسی که اهتمام ویژه ای به تحصیل خود و اعضای خانواده اش دارد، دختر اول ایشان متاهل و دارای دو مدرک کارشناسی ارشد است. یکی در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) و دیگری در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم حدیث شهر ری و دختر دوم وی نیز متاهل و دانشجوی کارشناسی رشته فیزیک دانشگاه شریف است

آیت الله رئیسی در سال ۱۳۶۴ به عنوان چنانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد و به این ترتیب، دوره مدیریت قضایی ایشان در تهران آغاز شد. به دنبال موفقیت وی در حل پرونده های قضایی پیچیده، امام خمینی (ره) طی احکام ویژه و مستقیم، ایشان و جبهه الاسلام نیری را برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی در برخی استانها از جمله لرستان، کرمانشاه و سمنان مامور کرد

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصرکار



رهبر انقلاب در پیام شهادت رئیس‌جمهور

اوصلاح و رضایت مردم را بر همه چیز ترجیح می‌داد

«در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و باارزشی را از دست داد. برای اوصلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است، بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آرزو نگهبانیش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه‌روزش برای به‌شرف‌ت و اوصلاح امور نمیشد.»

۱۴۵

کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار

۱۴۴

در اسفند ۱۳۹۴، آیت الله رئیسی با حکم آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) به تولیت آستان قدس رضوی منصوب شد.

ایشان در سه سال فعالیت در سمت تولیت آستان قدس رضوی، اقدامات مؤثری در چارچوب خدمت مؤثر به حرم نورانی حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا(ع) و ارائه خدمات به زائران این بارگاه قدسی در پایتخت معنوی ایران اسلامی انجام داد. رسیدگی به امور زائران بارگاه مقدس امام هشتم(ع)، خدمت به مجاوران و به ویژه مستمندان و مستضعفان حرم رضوی، ترویج معارف قرآنی و مکتب اهل بیت(ع) در جهان اسلام، بهره مند ساختن تهیدستان نقاطی از کشور که موقوفات آستان قدس در آن قرار دارد و سامان بخشیدن به بینگامهای اقتصادی و خدماتی آستان قدس رضوی، موارد مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی در منشور هفتگانه حکم انتصاب آیت الله رئیسی در سمت تولیت آستان قدس رضوی بودند.



آیت الله رئیسی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ده سال معاون اول قوه قضائیه بود. ایشان که دو رئیس قوه را در این سمت تجربه می کرد به عنوان یکی از مسئولان ارشد قضایی کشور مسئولیت سازماندهی و اداره تشکیلاتی این مجموعه را بر عهده داشت و از سال ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۴ نیز به عنوان دادستان کل کشور خدمت نمود.

آیت الله رئیسی از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰ با حکم مقام معظم رهبری، دادستان ویژه روحانیت نیز بود. در سال ۱۳۷۶، ایشان به پیشنهاد برخی اعضای مؤثر جامعه روحانیت مبارز از جمله آیت الله مهدوی کنی و تصویب شورای مرکزی جامعه روحانیت به عضویت در آن شورا در آمد.





کتاب سید الشہداء حضرت ابی صرکارہ

مشی رئیسی با طبیسی در اداره آستان قدس تفاوت چشم‌گیری داشت و علی‌ترین تفاوت در توزیع غذای حضرت بود، یعنی غذایی که بر اساس نذری هر روز در حرم پخته می‌شود و پیش‌تر به راحتی نصیب مشهدها یا زوار می‌شد و معمولاً اگر یک پرس غذای حضرت نصیب کسی می‌شد، یک یا چند خانواده به عنوان تبرک از آن می‌خوردند. اما در زمان رئیسی کیفیت غذا افت کرد و توزیعش عمومی‌تر شد، حتی در اوایل حضورش در آستان، ژتون غذای حضرت در ورودی‌های مشهد توزیع می‌شد. برخی این حرکت رئیسی یا حضورش در مناطق محروم شهر را تبلیغاتی می‌دانستند. شهید رئیسی اهل معامله و تظاهر نبود و تلاش در راه خدا و خدمت برای مردم می‌کرد و این سه ویژگی باعث شده بود وی دارای یک شخصیت الهی شود و در هر جا موفق و درخشنده شود. نگاه وی در آستان نگاهی فراتر از شهر مشهد و استان خراسان رضوی بود و حتی وی این نگاه را با اقدامات خود در آستان فراموشی کرده بود. تشکیل کانون های خدمت رضوی در سطح کشور برای ایجاد زمینه خدمت و همکاری علاقمندان امام رضا(ع) در کشور یکی از اقدامات ماندگار آیت الله رئیسی بود که توانست با برخی از اقدامات بخشی از بار محرومیت زدایی در کشور را به دوش بکشد. ایجاد شبکه عظیم خدمت به امام رضا(ع) و ترویج فرهنگ ولایی و خدمت امام رضایی در کشور و مستضعف پروری از کارهای شایسته شهید رئیسی در آستان قدس رضوی بود. کانون های خدمت رضوی در استان اردبیل منشاء خیر و برکت بوده است و خادم پاران امام رضا (ع) در حوزه تهیه جهازیه، ساخت مسکن محرومین، درمان و سایر کارهای خوبی را انجام داده اند. نگاه کلان بینانه و عمیق آیت الله رئیسی در آستان و افق دید وسیع وی باعث شد از ظرفیت آستان قدس رضوی در سطح کشور استفاده های فراوان شود و در سطح بین‌المللی نیز مطرح شود... علی حسن زاده دبیر کانون های خدمت رضوی استان اردبیل در گفت و گو با ایسن



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی را به ریاست قوه قضائیه منصوب کردند. رهبر انقلاب اسلامی در این حکم با تأکید بر لزوم تحول در قوه قضائیه و آغاز پرقدردت دوران جدیدی که زبینه گام دوم انقلاب باشد، از فقاہت، دانش، تجربه، سلامت، امانت و کارآمدی حجت الاسلام و المسلمین رئیسی در مقاطع گوناگون خدمت و سوابق طولانی ایشان در قوه قضائیه و آشنایی کامل با همه زوایای آن، به عنوان دلایل این انتخاب یاد، و در ادامه هشت توصیه مهم خطاب به رئیس قوه قضائیه بیان کردند.

متن حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی دامت برکاته... آغاز دهه پنجم انقلاب و گذشت چهل سال از تشکیل دادگستری مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، ایجاب میکند که با تکیه بر تجربه‌ها و دستاوردها و رهنمودهای انباشته در این نصاب زمانی، تحوّل متناسب با نیازها و پیشرفته‌ها و تنگناها در قوه قضائیه صورت گیرد و دستگاه عدالت با تفسی تازه و انگیزه‌های مضاعف و نظم و تدبیری حکمت‌آمیز، دوران جدیدی را که زبینه‌ی گام دوم انقلاب است، با قدرت و جدیت آغاز کند. اینجانب برای تحقق این مقصود حیاتی، جنابعالی را برگزیده‌ام که دارای سوابق طولانی در سطوح مختلف قوه قضائیه و آشنا با همه زوایای آن میباشید و از طرفی در کنار فقاہت از تحصیلات حقوقی و دانش و تجربه در این عرصه مهم برخوردارید، و سلامت و امانت و کارآمدی خود را در مقاطع گوناگون خدمت نشان داده‌اید. سند تحول قضائی پیشنهادی جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورتهای و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز میدانم. با این حال چند نکته را مؤکداً به جنابعالی سفارش میکنم

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کارگر



مدار باران

نخست آنکه برای همه‌ی فصول این سند و بندهای ذیل آنها، زمان تعیین کنید و خود و همکارانتان را بر پابندی به سرآمد برنامه الزام فحایتید. در زمانبندیها نه عجله و نه محاطله نباید راه داده شود

دوم آنکه در همه‌ی فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن را رعایت کنید.

سوم آنکه عنصر نیروی انسانی صالح را در رأس عوامل تحول و پیشرفت قوه بدانید. سلامت قضات و پاکي دامن آنان از هر گونه فساد، شرط لازم و اول برای همه توفیقات شما است. در ریشه‌کنی فساد از درون قوه که ماهی میباهت شما و سرفرازی اکثریت قضات دادگاهها و دادرها است، هیچ تردید و درنگ نکنید. چهارم آنکه گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع و نظارت بر اعمال قانون را که در شمار هدفهای قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه‌ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد.

پنجم آنکه در برخورد قضائی ملاحظه‌ی این و آن را نکنید.

ششم آنکه از جوانان صالح و انقلابی و فاضل در مسؤولیتهای قوه استفاده کنید.

هفتم آنکه قاضی و دادگاه را عزیز بدارید. احساس عزت و شرافت در قاضی، سدّ

محکمی در برابر انگیزه‌ها و عوامل نفوذ و انحراف است.

هشتم آنکه همکاری با قوای مجریه و مقننه و هم‌فرازی با آنان را که سفارش

همیشگی اینجانب است در نظر داشته باشید. آنان نیز موظف به همراهی و

همکاری با شمایند.

در پایان لازم میدانم از آیت الله املی بخاطر تلاشهای ارزشمندشان تشکر و قدردانی

کنم و برای توفیق کامل جنابعالی و همکارانتان دست دعا و توسل به درگاه ربوبی

بلند کنم و توجیحات و دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را مسألت نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله

کتاب سیدالشهدای غدیت - ناصر کورده

آیت الله رئیسی در ۱۶ اسفند سال ۱۳۹۷ با حکم رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به ریاست قوه قضائیه منصوب شدند. عملکرد دستگاه قضا در دوران ریاست جناب آقای رئیسی به دلایلی چند؛ تراز این دستگاه را در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی بالا برد. آیت الله رئیسی با مدیریت میدانی و پیگیری و رسیدگی نزدیک به مشکلات قضایی مردم، برخورد قاطع و بدون اغماض با مفسدان اقتصادی، تدوین و نهایی کردن سند تحول قضایی و هوشمند سازی قوه قضائیه، گام های جدی در جهت ارتقای عدالت قضایی برداشت تا جایی که رهبر معظم انقلاب انجام این تحول و ایجاد امید در دل مردم را ستودند. رئیسی برنامه های خود برای اداره قوه قضائیه را زیر عنوان سند تحول قضایی برای رهبر ایران ارسال کرده بود.

در ارزیابی کارنامه رئیسی می توان به برگزاری دادگاه های علنی مبارزه با فساد اقتصادی و محاکمه اشخاص سرشناس، آفازده ها و برخی مدیران و مسئولان، تلاش ها برای پاک سازی درونی قوه قضائیه از عناصر و قضات فاسد، تحرکات میدانی ریاست قوه قضائیه و سرکشی سرزه به واحدهای قضایی و زندان ها و نیز انجام سفرهای استانی، کاهش اطاله دادرسی، تأسیس مجتمع ویژه مبارزه با فساد اقتصادی، به رسمیت شناختن جرم سیاسی، اجرایی کردن برخی از قوانین بر زمین مانده، از جمله مواردی است که در دوره ریاست قوه قضائیه مورد توجه قرار گرفته است. رئیسی پس از رسیدن به ریاست قوه «مبارزه با فساد» را شعار خود قرار داد. قوه قضائیه در این دوره تمرکز زیادی بر پرونده های فساد کارکنان این قوه در دوره ریاست لاریجانی داشت. اکثر طبری معاون سابق رئیس قوه و قاضی منصوری از جمله افرادی بودند که در این دوره مورد پیگرد قضایی قرار گرفتند. در ۱۳ آبان ۱۳۹۸ تحریم وزارت خزانه داری ایالت متحده آمریکا ۹ تن از افرادی را که از «نزدیکان سید علی خامنه ای» نامید، از جمله سید ابراهیم رئیسی را تحریم کرد



درد مشترک

اینجانب فرزندان ملت بزرگ ایران و سرریز کوچک انقلاب اسلامی، به صورت مستقل به **صحنه آمده ام** و تنها در برابر ذات اقدس الهی و پیشگاه ملت ایران متعهد و مسؤولم.
بیانیه انتظامی سید ابراهیم رئیسی





حجة الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی

تلاشگر بی وقفه برای خدمت به مردم، کشور و اسلام

« با اندوه و تأسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پیرتلاش، خادم‌الرضا علیه السلام حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم. این حادثه‌ی ناگوار در انتهای یک تلاش خدمت‌رسانانه اتفاق افتاد؛ هم‌ه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد.»

۱۵۹

کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار

۱۵۸



سوابق آیت الله دکتر رئیسی در مجلس خبرگان رهبری

آیت الله رئیسی در سال ۱۳۸۵، از طرف جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعه روحانیت مبارز و به توصیه نخبگان استان خراسان جنوبی برای عضویت در چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری نامزد شد که با کسب اکثریت آرا مردم انتخاب شد. دو سال پس از حضور در این مجلس، خبرگان ملت ایشان را به عنوان عضو هیأت رئیسه برگزید و عضویت ایشان در این جایگاه، تا اتمام دور چهارم، با رأی نمایندگان محترم مجلس خبرگان تمدید شد. آیت الله رئیسی در دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۳۹۶ نیز با کسب اکثریت قاطع آرا برای دومین بار به عنوان نماینده مردم شریف خراسان جنوبی برگزیده شد و در اسفند ۱۳۹۷، در جریان برگزاری ششمین اجلاس دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری، آیت الله رئیسی به عنوان نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و تا امروز نیز همچنان نائب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری می باشد. در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۴۰۲، آیت الله رئیسی با کسب ۸۴.۵۷ درصد آرای مردم برای سومین بار به مجلس خبرگان راه یافت

سید ابراهیم رئیسی در سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرد و به همراه چند نامزد اصولگرای دیگر تأیید صلاحیت شد. شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی، جبهه پایداری انقلاب اسلامی، شورای وحدت نیروهای انقلاب اسلامی (شورای وحدت اصولگرایان)، ائتلاف وحدت ملی رسماً از وی حمایت کردند. پیش‌بینی می‌شود که او پیشاپیش پیروز انتخابات است. عبدالحمید اسماعیل‌زهی امام‌جمعه اهل سنت زاهدان حمایت خود را از رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰ اعلام کرد. سرانجام آیت الله رئیسی در سال ۱۴۰۰ با شرکت در سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، با کسب بیش از ۱۸ میلیون رای مردم در انتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، حالا رئیس جمهور ایران است



کتاب سیدالشهدای خدمت - ناصر کار

اهم سوابق مدیریتی و سیاسی

سیزدهمین رئیس جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۴۰۰ تاکنون
 ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران
 نایب‌رئیس اول مجلس خبرگان رهبری
 تولیت آستان قدس رضوی
 عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان عضو حقیقی و حقوقی
 معاون اول قوه قضائیه
 دادستان کل کشور
 ریاست سازمان بازرسی کل کشور
 دادستان تهران
 دادستان انقلاب اسلامی کرج و استان همدان
 عضویت در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه
 خراسان جنوبی
 اولین دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر کشور
 مؤسس حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها (ویژه خواهران) در تهران
 (کوی نصر)
 مؤسس مرکز تخصصی شیعه‌شناسی امام هادی علیه السلام زیرنظر حوزه
 علمیه قم
 مأموریت قضایی امام خمینی (ره) به حجت الاسلام رئیسی به همراه حجت
 الاسلام نیری جهت رسیدگی به گزارشات ویژه
 عضویت در هیأت امنای ستاد اجرایی فرمان امام (ره) به مدت ده سال از
 سوی مقام معظم رهبری

زندگی و سوابق سیاسی سید ابراهیم رئیسی



کتاب سیدالشهدای غدیمت - ناصرکار



اهم مسئولیت‌ها به اعتبار جایگاه حقوقی

عضو شورای عالی فضای مجازی

عضو شورای عالی استاندارد

عضو شورای عالی نفت

عضو شورای توسعه شرق و غرب کشور

عضو شورای عالی پول و اعتبار

عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی

عضو ستاد مبارزه با مواد مخدر

سخنرانی در اجلاس‌های بین‌المللی

اجلاس مبارزه با فساد اداری در قاره آفریقا

اجلاس مبارزه با جرائم سازمان یافته در آرژانتین

اجلاس سلامت اداری در سوچی روسیه

اجلاس حقوق بشر در پاکستان

اجلاس نقش عاشورا در تحولات اجتماعی - استانبول ترکیه

اجلاس دلالت‌های قانون اساسی در حفظ حقوق بشر - نیجریه

اجلاس همکاری‌های بین‌المللی در مبارزه با فساد - چین

اجلاس حقوق بشر سازمان ملل - ژنو

اجلاس مبارزه با فساد اداری در فیلیپین

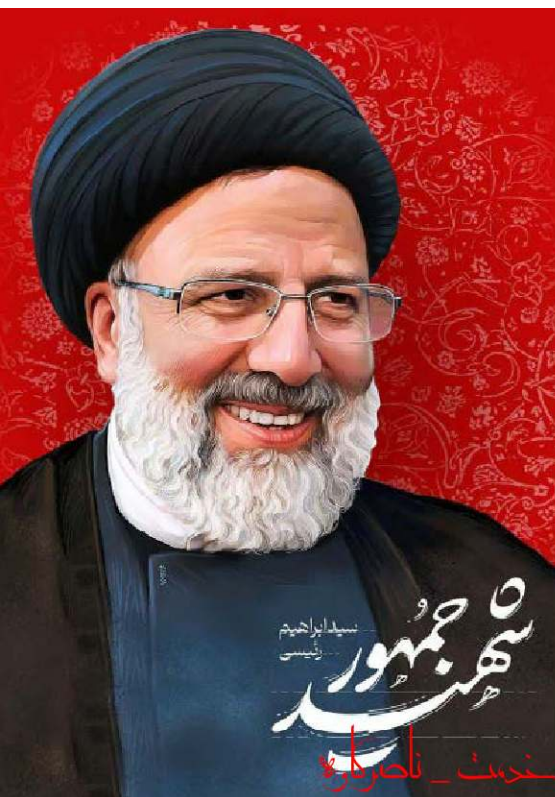
و انتصاب به عنوان قائم مقام بازرس کل آسیا

و ده‌ها نشست تخصصی دیگر با حضور مقامات کشورهای خارجی

کتاب سیدالشهدای نجف - ناصر کاره

۱۶۴

۱۶۵



سوابق علمی

سطح چهار فقه و اصول از حوزه علمیه قم
دکترای فقه و مبانی حقوق با گرایش حقوق خصوصی
از مدرسه عالی شهید مطهری
تدریس متون فقهی سطح عالی و قواعد فقه قضاء و فقه اقتصاد
در حوزه‌های علمیه تهران و دانشگاه‌ها

کتاب چاپ شده

کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش قضایی)
توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی
کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش اقتصادی)
توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی
کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش عبادی)
توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی
ارث بلاورث در فقه و حقوق توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
فقه وقف توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی

سید ابراهیم
نجفی
کتاب سید الشهدای
نخست - ناصر کارگر

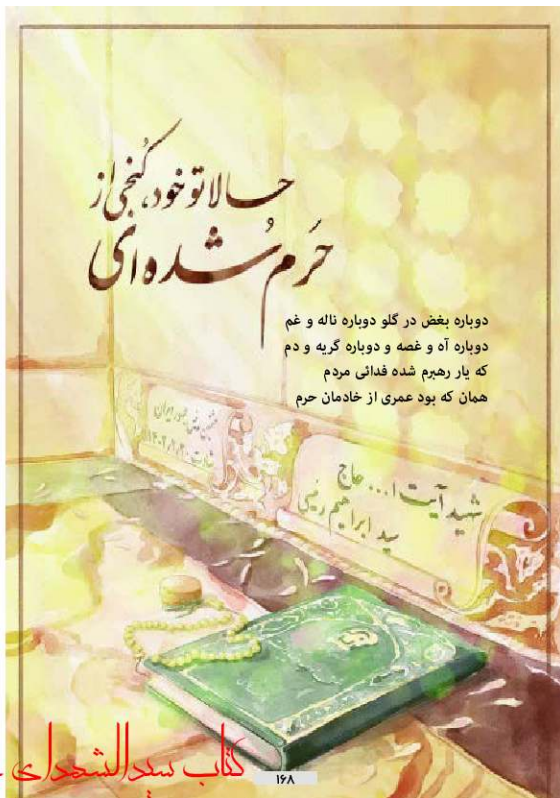
آیت الله رئیسی علاوه بر مسؤولیت‌های کلان کشوری، بنا به توصیه مکرر آیت الله مهدوی کنی و آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی مبنی بر حفظ ارتباط درسی خود با طلاب، از سال ۸۰ تا کنون به عنوان مدرس در مدارس علمیه تهران از جمله مدارس مجد، امیرالمؤمنین علیه السلام، امام حسین علیه السلام و مروی به تدریس دروس سطوح عالی؛ رسائل و مکاسب، کفایتین و درس خارجه فقه (قواعد فقهیه) مشغول بوده اند

ایشان بعد از انتقال به مشهد مقدس از ابتدای سال تحصیلی ۱۳۹۵ در مدرسه عالی نواب مشهد و پس از آن در مدرسه علمیه ۲ درب حرم مطهر تدریس در موضوع «فقه وقف» را آغاز کرد و طی دو سال تحصیلی موضوع وقف و نذر را به صورت کامل تدریس نمود و در ادامه (سال تحصیلی ۹۷) درس خارج فقه با موضوع امر به معروف و نهی از منکر را شروع کرد که مورد استقبال باشکوه فضلا حوزه علمیه مشهد نیز قرار گرفت تا کنون یک دوره از درسها حوزوی ایشان در زمینه قواعد فقه در قالب سه جلد کتاب با عنوان قواعد فقه عبادی قواعد فقه قضایی و قواعد فقه اقتصادی به رشته تحریر درآمده است و کتاب وقف و امر به معروف و نهی از منکر ایشان نیز که طی سه سال اخیر در حوزه علمیه مشهد تدریس کرده اند در حال تدوین می‌باشد

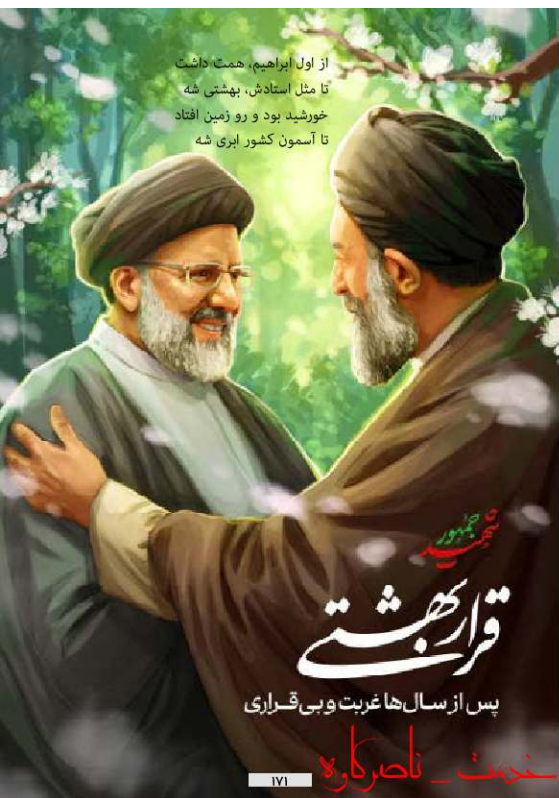
آیت الله علاوه بر این در دانشگاه نیز در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و دانشگاه شهید مطهری و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس تخصصی فقه فضا، فقه اقتصاد، اصول فقه و قانون مدنی پرداخته است

حالات خود، کنجی از حرم شده ای

دوباره بغض در گلو دوباره ناله و غم
دوباره آه و غصه و دوباره گریه و دم
که یار رهبرم شده فدائی مردم
همان که بود عمری از خادمان حرم



کتاب سیدالشهداء حضرت ناصر کار



از اول ابراهیم، همت داشت
تا مثل استادش، بهشتی شه
خورشید بود و رو زمین افتاد
تا آسمون کشور ابری شه

پس از سال ها غربت و بی قراری

۱۷۱

کتاب سیدالشهدای نخست ناصر کارا

۱۷۰

کتاب در دست انتشار
ارث بلاوارث در فقه و حقوق
تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق
سیر تحول در نظارت و بازرسی
مدیریت کارآمد
نظارت اثر بخش
تأثیر متقابل تصمیمات قضایی و اقتصادی
چابگاه نظارت و بازرسی در اسلام
عدالت و تأثیر آن بر سبک زندگی
و ده ها سخنرانی علمی در حوزه های اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و حقوقی
در دانشگاه ها و مراکز علمی و سمینارهای تخصصی وزارتخانه ها و سازمان های
کشور

مسئولیت های کنونی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران

نائب رئیس مجلس خبرگان رهبری جمهوری اسلامی ایران

عضو شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

آقای رئیسی! کدام «خواص» را «مردود» می‌دانست؟

این مسئله مهمی است که باید نسبت به آن تأکید کرد، اگر مسئله‌ای در ذهن‌ها شکل بگیرد و شما بخواهید آن را تغییر دهید، کار سختی است. خیلی‌ها در قضایای اخیر (فتنه ۱۴۰۱) به وظیفه‌شان عمل نکردند، خیلی از خواص در قضایای اخیر مردود شدند و وظیفه قانونی، شرعی، اخلاقی و انقلابی خودشان را در تنویر افکار عمومی انجام ندادند. وقتی می‌پرسم چرا حقایق را برای مردم بیان نمی‌کنید و به وظیفه اخلاقی و انقلابی خود عمل نکردید گفتند: از فضای مجازی می‌ترسیم". می‌گویند از جوسازی می‌ترسیم، جوسازی چنین سلاح پرنده‌ای است، که اگر نبود خداوند نمی‌فرمود قلب‌ها در دست من است. کسی که قلم خوبی دارد، هزرمند است، چرا حقایق را مطرح نمی‌کند؟ می‌گوید از جوسازی و فضای مجازی می‌ترسم، فضای مجازی اینقدر تعیین‌کننده است؟ آقای محترم، خانم محترم، فرهیخته و گرامی، نخبه سیاسی، شما نخبه‌اید، نخبگی در چیست؟ منتخب بودن در این است که در زمان خودش زمان‌شناسی کند؛ ببیند، قبل از اینکه دیگران ببینند، رصد کند، قبل از اینکه دیگران رصد کنند، دشمن را بشناسد و در زمان خودش هشدار دهد، نخبگی به این است، نخبگی یعنی اینکه دیده‌بانی و تیزبینی و شرایط را رصد کند. فرهنگ اسلامی از جهاد تبیین که سخن حکمیانه رهبر انقلاب در مقطعی که بیان فرمودند و بارها بر آن تأکید کردند که نیاز کشور نیز جهاد تبیین است. کار جهادی یا کار عادی متفاوت است، راه رفتن عادی و اقدامات معمولی را اقدامات جهادی نمی‌دانند، در حرکت جهادی، جهادگر باید توانایی و رسالت خودش و اقدامات خودی‌ها را و دشمن و توانایی‌هایش را ببیند، دویدن و شتابش را متناسب با آنچه که اقتضای یک حرکت جهادی است، کند و با شناختی که از دشمن به دست می‌آورد، بتواند بر او پیروز شود. رئیسی، رئیس‌جمهور در حمایت جهاد تبیین، ۲۶ آبان در محل سائن اجلاس سران

خادم ايران بود در طوقه تقريض



کتاب سید الشهدا کی زندگی - ناصر کاروان